



سه‌شنبه بیست و هشتم آبان ماه ۱۳۹۸

سال هفتاد و پنجم شماره ۲۱۷۵۱

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR

WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۱۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱	سازمان تأمین اجتماعی	۱۳۹۸/۲/۲۴	رأی شماره ۳۱/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ حوزه فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی در خصوص نحوه محاسبه مستمری بازنشستگان جانبازان و آزادگان
۵	وزارت نیرو	۱۳۹۸/۷/۹	رأی شماره ۱۴۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال اطلاق بند ۴۱-۴ آیین‌نامه عملیاتی و شرایط عمومی تعرفه‌های آب و فاضلاب مصوب وزارت نیرو
۸	وزارت راه و شهرسازی - وزارت امور اقتصادی و دارایی - دفتر هیأت دولت	۱۳۹۸/۸/۱۹	تصویب‌نامه در خصوص اضافه شدن وزیر راه و شهرسازی به ترکیب اعضای کمیسیون اقتصاد
۸	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	۱۳۹۸/۸/۱۹	تصویب‌نامه در خصوص تأسیس انجمن صنفی سراسری اشخاص حقیقی پدیدآورنده آثار فرهنگی و هنری و شاغلان بخش فرهنگ و هنر و رسانه در رشته تخصصی
۸	وزارت صنعت، معدن و تجارت وزارت امور اقتصادی و دارایی سازمان برنامه و بودجه و کشور	۱۳۹۸/۸/۱۹	آیین‌نامه نحوه ثبت بین‌المللی و درج شناسه (کد) اسامی مبدا محصولات و کالاهای صادراتی در سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO)
۹	وزارت کشور - وزارت امور اقتصادی و دارایی - سازمان برنامه و بودجه کشور بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	۱۳۹۸/۸/۸	آیین‌نامه نحوه صدور تضمین‌نامه‌های عهده دولت جمهوری اسلامی ایران
۱۰	وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۹۸/۸/۸	دستورالعمل اجرایی تجارت اموال فرهنگی - تاریخی و هنری منقول مجاز

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۲/۲۴ شماره دادنامه: ۳۱/۲ شماره پرونده: ۱۰۴۸/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای علی اصغر داودی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح نحوه

بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ هیأت وزیران و بند «ب» بخشنامه شماره

۴۵/۲ حوزه فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی در خصوص نحوه محاسبه مستمری

بازنشستگی جانبازان و آزادگان

گردش کار: شاکی به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال ماده ۲ آیین‌نامه

اجرایی قانون اصلاح نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ هیأت وزیران و بند

«ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ حوزه فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی در خصوص

نحوه محاسبه مستمری بازنشستگی جانبازان و آزادگان را خواستار شده و در جهت

تبیین خواسته اعلام کرده است که:

قوانین و مقررات عمومی

۱۳۹۸/۸/۲۲

شماره ۹۶۰۱۰۴۸

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه

۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۲۰۰۳۱ مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۴ با موضوع: «ابطال بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲

حوزه فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی در خصوص نحوه محاسبه مستمری بازنشستگان

جانبازان و آزادگان» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً اینجانب علی اصغر داودی جانباز ۳۵٪ و از کارکنان مؤسسه عمومی غیردولتی سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران (مازندران - آمل) که در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ به درجه بازنشستگی نائل آمده‌ام به استحضار عالی می‌رساند متشاکمی‌ام، حقوق بازنشستگی‌ام را بر اساس دو سال آخر خدمتم محاسبه و منظور کرده است در حالی که بنده جانباز بوده و به موجب ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان و ... مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ و اصلاحات بعدی از سوی قانونگذار و بخشنامه شماره ۴۵ متشاکمی‌ام از بابت مستمریها می‌باید بر اساس آخرین حقوق دریافتی (مشمول بیمه) متناسب با آخرین حکم استخدامی لحاظ شود. با عنایت به مفاد لایحه پیوستی و اینکه در بعضی از آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، در بین جانبازان این سروقامتان عرصه پیکار با دشمنان قسم خورده انقلاب و اسلام، تبعیض قائل شده و آنان را به دو دسته «دولتی و غیردولتی» تقسیم نموده‌اند که نفس این عمل غیرقانونی را می‌توان یک آفت اجتماعی تلقی نمود. (از جمله بند ۲ آیین‌نامه اجرایی مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۰ و بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ متشاکمی‌ام) که فی الواقع به نحوی ارزشها را زیر پا نهاده و بدینسان زمینه توزیع ناعادلانه درآمد را میان این قشر ممتاز و در عین حال ضعیف جامعه (به لحاظ اقتصادی و معیشتی) ترویج می‌دهند که در حقیقت با روح قانون و اهداف متعالی قانونگذار در تعارض جدی قرار داشته و مسیر وحدت رویه در اجرای قانون را به چالش کشانده که به نوبه خود می‌تواند آثار مخرب و جبران ناپذیری در پی داشته باشد. لذا با عنایت به شرح فوق التوصیف و آن چه را که در پرونده منعکس می‌باشد در صورتی که قانون مقدم بر آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها متصور باشد از محضر آن جایگاه منبع قضایی اولاً؛ حکم به ابطال ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی هیأت وزیران مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۰ و نیز بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ مستمریها به دلیل مغایرت با روح قانون مورد تمنا می‌باشد. ثانیاً؛ از آنجا که از جانبازان اعصاب و روان هستم و دائماً با استرس و اضطراب دست به گریبان می‌باشم، رسیدگی پرونده در وقت فوق‌العاده و خارج از نوبت مورد استدعای عاجزانه می‌باشد. در ضمن تصویر جوییه سازمان تأمین اجتماعی به شماره ۵۰۴/۰۳/۹۶/۲۹۲۸-۱۳۹۶/۵/۱ جهت مزید استحضار و بهره‌برداری لازم به حضور ایفاد می‌گردد.»

متن لایحه تکمیلی به قرار زیر است:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم احتراماً با عنایت به محتوای دادخواست تقدیمی، توضیحاتی به شرح ذیل همراه با مدارک و مستندات جهت مزید استحضار و بهره‌برداری لازم به حضور ایفاد می‌گردد:

۱- در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱ قانونگذار صراحتاً به منظور پاسداشت و حفظ حرمت ایثارگری مثال زدن جانبازان و آزادگان در طول جنگ تحمیلی مصوبه‌ای را بدون هرگونه ابهام و شبهه در قالب ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی این قشر ممتاز جامعه که تا ترک همه تعلقات دنیوی در کنار شهیدان پایمردی کرده‌اند به صورت جامع و فراگیر تدوین و تصویب کرده که مراتب همزمان به دولت ابلاغ و در دستور کار عوامل اجرایی کشور قرار گرفته که در ماده واحده آن تصریح شده ملاک تعیین حقوق بازنشستگی، آخرین حقوق قبل از بازنشستگی می‌باشد.

۲- آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۵/۲۸ هیأت وزیران دقیقاً برابر قانون تصویب و به اجرا درآمده که به موجب بند ۲ آن ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی برای هر یک از کارکنان دستگاه‌های مورد اشاره در بند ۱ تأکید شده است.

۳- قانونگذار به منظور رفع هرگونه تبعیض احتمالی در امر اجرای قانون، قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان و ... را در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۱ مصوب کرده که به موجب آن عبارت «به جز کارگران مشمول قانون کار» را از متن ماده واحده حذف کرد تا بدینسان شأن قانون به لحاظ برخورداری از جامعیت لازم حفظ شود.

۴- باز قانونگذار در راستای رسالت عظیم خویش در جهت رفع هرگونه ابهام احتمالی قانون استفساریه تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۶۷ را در مورخ ۱۳۸۴/۹/۲۲ تصویب کرد و بدینسان جلوی هرگونه سوء استفاده احتمالی را گرفته است.

۵- هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۸۵/۲/۱۰ آیین‌نامه اجرایی بحث برانگیز و متناقض و مغایر با ماده واحده قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ را به تصویب رساند که به موجب ماده ۱ و تبصره ۱ الحاقی به ماده ۱ کلیه جانبازان و آزادگان و ... را به صراحت مشمول مقررات این آیین‌نامه لحاظ می‌نماید، اما در ماده ۲ با موضع کاملاً انفعالی ۱۸۰ درجه تغییر وضعیت داده، بدون هرگونه استناد قانونی مصوبه ماده ۱ و تبصره الحاقی آن را نفی کرده و در واقع نفس این تصمیم می‌تواند برای حضرات اهل فضل جای بسی تأمل و درنگ را در پی داشته باشد؟ و جالب اینجاست که نطفه ظهور پدیده جانبازان دولتی و غیردولتی در چنین فضایی بسته شده است؟ جهت روشن شدن ذهن مرجع قضایی این

سوال مطرح می‌شود که آیا در زمان پیر التهاب جنگ، رزمندگان در قالب دولتی یا غیردولتی به سمت جبهه‌ها فراخوانی می‌شده‌اند؟ لذا با چنین عدله و برهانی واضح، ابطال ماده ۲ آن را از محضر ریاست شعبه مورد استدعا می‌باشد.

۶- اما بخشنامه شماره ۴۵ متشاکمی‌ام که منحصراً موضوع نحوه بازنشستگی جانبازان و آزادگان را در دستور کار قرار داده که طی شماره ۱۴۶۶-۱۳۸۵/۶/۷ به استانها ابلاغ گردیده که با عنایت به شرح بندهای این لایحه برای اهل فضل و اندیشه بویژه ریاست شعبه جای بسی تأمل و درنگ را در پی خواهد داشت. چرا که در بخش پیش‌گفتار با ادبیات و لحنی در خور شأن این قشر پابره‌نه را مورد لطف قرار داده است. همان طور که لازم بود به اجمال طی مستنداتی جان مطلب را بیان داشته و در بند ۱ مشمولین قانون را به وضوح تصویر کرده و اگر چه در بند ۲ به نحوی موضوع دولتی و غیردولتی را مطرح نموده که به نظر می‌رسد از دیرباز بازیگران صحنه که عمدتاً مرفعی‌ین بی درد و جنگ ندیده‌ها بودند و همواره به نوعی چوب لای چرخ گذاشته که دستاوردها به صورت غیرعقلانی و مغایر با اهداف قانون هنوز احساس می‌شود و در بند ۳ موضوع شرایط بازنشستگی در ۲ بخش شرایط عمومی و خاص بیان شده که به نوبه خود تأمل برانگیز بوده و حکایت از آن دارد که «میزان آخرین حقوق دریافتی قبل از بازنشستگی ملاک محاسبه حقوق دوران بازنشستگی می‌باشد» و سرانجام عاجزانه نظر قاضی پرونده را به بند ۵ بخشنامه مذکور با موضوعیت نحوه برقراری و تعیین میزان بازنشستگی که بسیار حائز اهمیت می‌باشد جلب می‌نمایند چرا اینکه «آخرین حقوق دریافتی مبنای بازنشستگی متناسب با آخرین حکم کارگزینی ضربدر مجموعه سابقه مبنای بازنشستگی (حداقل ۲۰ سال) به علاوه مدت سنوات ارفاقی (حداکثر ۱۰ سال) تقسیم بر ۳۰ قرار داد.»

۷- با ملحوظ نمودن مفاد بندهای فوق به نظر می‌رسد موضوع «دولتی و غیردولتی» تنها نشأت گرفته از تفسیر به رأی از قانون می‌باشد چرا اینکه قانونگذار در هیچ جای قانون بدان اشاره‌ای نکرد علی‌رغم اینکه فلسفه جامعیت قانون چنین اقتضا می‌نماید اما موضوع بحث برانگیز بند ب بخشنامه شماره ۴۵/۲ بوده که در مقابل بند الف ظاهر شده و ملاحظه می‌شود تحت تأثیر آیین‌نامه اجرایی مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۰ مورد اشاره در بند ۵ این لایحه قرار گرفته و مغایر صریح با ماده واحده نحوه بازنشستگی مصوب ۱۳۶۷ می‌باشد که از محضر قاضی شعبه ابطال آن مورد استدعا می‌باشد.

۸- به پیوست رأی شماره ۱۳۹۵/۵/۱۹۳۴۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به حضور ایفاد می‌گردد که دربرگیرنده و موید این است که مطابق ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۶۷ ملاک و مبنای محاسبه حقوق جانبازان و ... در هنگام بازنشستگی «آخرین حقوق دریافتی قبل از بازنشستگی منطبق با آخرین حکم کارگزینی می‌باشد.»

بنابراین ملاک محاسبه حقوق جانبازان بدون هرگونه تبعیض و شبهه‌ای می‌باید بر مبنای آخرین حقوق دریافتی (مشمول بیمه) متناسب با آخرین حکم استخدامی (کارگزینی) محاسبه و ملحوظ می‌گردید در غیراین صورت جای بسی تأمل است: چه فرقی فی مابین جانباز و غیرجانباز از منظر قانونگذار وجود داشته و چه دلیل و برهانی سبب گشت تا قوه مقننه ماده واحده مورد بحث را در سال ۱۳۶۷ تصویب کند؟ در این راستا وجود اصلاحیه قانون یاد شده مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ فوق‌الذکر (بند ۳ لایحه) دلیلی برای مدعاست که نباید تبعیضی بین جانبازان این قشر ممتاز ایثارگر و نام آشنا در شناسنامه انقلاب وجود داشته باشد و به عبارتی واضح تر بیان دولتی یا غیردولتی خواندن جانبازان در آیین‌نامه اجرایی و بخشنامه‌ها، مغایر نص صریح قانون یاد شده بوده و در حقیقت می‌توان نوعی ظلم در حقشان قلمداد کرد. در آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ هیأت وزیران صرف نظر از اینکه نفس عمل با قانون مطابقت دارد یا خیر؟ تناقض آشکار وجود دارد. یعنی از یک سو ماده ۱ و تبصره ۱ الحاقی بر ماده ۱ را به صراحت ملاک عمل قرار می‌دهند و از سوی دیگر در حالتی کاملاً انفعالی و متضاد ماده ۲ را مبنا قرار می‌دهند که این امر حکایت از آن دارد که در کالبد آیین‌نامه اجرایی مذکور نسبت به تطبیق متن آیین‌نامه با روح قانون کوتاهی و قصوری به عمل آمده و تنها از اظهار نظر و برداشتهای سلیقه‌ای و تفسیر به رأی بسنده شده است در نتیجه این طور استنباط می‌گردد که اصل بر حاکم بودن قانون و تبعیت از آن بایستی ملاک عمل باشد. مزید استحضار معروض می‌دارد در حالت منطقی و محکمه پسند و حاکمیت عقل سلیم، ۲ حالت را در پیش‌رو داریم که می‌تواند محکم را در امر حصول نتیجه شفافتر مدد نماید:

حالت اول: آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، بر قانون مقدم است که در این صورت بنده و امثالهم نه تنها هیچ ادعایی نداریم بلکه تقاضای مخومه شدن پرونده موردتمناست.

حالت دوم: قانون بر آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها مقدم و مشرف است در این صورت رسیدگی عاجل مورد استدعاست.

شایان ذکر است آیا جانبازان مستحق هستند پس از گذشت حدود ۳۰ سال از تصویب قانون (مصوب ۱۳۶۷) و گذر از میادین نبرد تاریخ ساز هنوز در کسوت گمنامی و در هاله‌ایی از ابهام در عامل فقر و عزلت‌گزینی زندگی کنند؟ و همواره دستاویز بعضی از

ب) دفاعیات ماهوی

۱- ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران ... مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ مجلس شورای اسلامی مقرر داشته، «کلیه وزارتخانه‌ها، شرکتها، مؤسسات دولتی، شهرداریها، بانکها، مؤسسات و شرکتها و سازمان‌هایی که مشمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است و همچنین، بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی ایران می‌توانند مستخدمین معلول (اعم از جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی، معلولین حوادث ناشی از کار، بیماران ناشی از شرایط خاص کار و معلولین عادی) رسمی یا ثابت یا دارای عناوین مشابه خود را (به جز کارگران مشمول قانون کار) به شرط داشتن حداقل بیست سال تمام سابقه خدمت براساس درخواست کتبی آنان و تصویب شورای امور اداری و استخدامی کشور با افزودن سنوات خدمت ارفاقی که مدت آن ذیلاً برحسب نوع و درجه معلولیت و یا بیماری مشخص شده است، به مدت خدمات آنان، بدون پرداخت کسور و فقط از لحاظ احتساب حقوق بازنشستگی، بازنشسته نماید. خدمت زائد بر سی سال این افراد قابل محاسبه نبوده و در تعیین حقوق بازنشستگی آنان آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می‌گیرد.

در ادامه به موجب قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱، عبارت «به جز کارگران مشمول قانون کار» از متن ماده واحده قانون مزبور حذف شده است. لازم به ذکر است به موجب ماده واحده قانون تسری قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور به بنیاد شهید و امور ایثارگران مصوب ۸۷/۲/۱۵، بعد از عبارت «مستلزم ذکر نام است» عبارت «و همچنین بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی ایران» اضافه می‌شود.

۲- براساس بند ۳ مقرر شده آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط سازمان تأمین اجتماعی با همکاری بنیاد شهید و امور ایثارگران تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. در این راستا آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده در تاریخ ۱۳۸۳ به تصویب رسیده، وفق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور مقرر گردیده، ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی جانبازان، آزادگان، معلولین عادی و حوادث ناشی از کار و بیماران ناشی از شرایط خاص کار مشمول این آیین‌نامه اعم از شاغلین در دستگاه‌های مورد اشاره در بند ۱ یا تبصره ۱۱ بند ۱ که دارای احکام استخدامی رسمی، ثابت یا دارای عناوین مشابه می‌باشند، مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی که بر اساس ضوابط و مقررات استخدامی حاکم بر دستگاه مربوطه مبنای حقوق بازنشستگی قرار گرفته است و نیز در خصوص آن دسته از افراد موصوف که در بخش غیردولتی (مشمولین تبصره ۱ بند ۱) شاغل می‌باشند، مطابق قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی عمل خواهد شد.

لازم به توضیح است که در ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران ... مصوب ۶۷/۹/۱ مجلس شورای اسلامی اشاره گردیده، به محاسبه حقوق بازنشستگی براساس آخرین حقوق قبل از بازنشستگی، و در متن قانون تصریحی مبنی بر آخرین حقوق دریافتی پیش‌بینی نشده و از این حیث اساساً حکمی در قانون پیش‌بینی نشده که بخواهد مبنای درخواست و صدور حکم قرار گیرد. در این راستا هیأت وزیران در آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور مصوب ۱۳۶۸ باتوجه به این که به حکم قانون قواعد آن صرفاً در خصوص دستگاه‌های دولتی قابلیت اجرا و اعمال دارد، بنابه مجوز حاصله از تبصره ۳ قانون، در بند ۲ آیین‌نامه اجرایی ملاک محاسبه آخرین حقوق را مبلغی که در مقررات استخدامی دستگاه‌های مشمول قانون، مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی بوده است را ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی دانسته است. در سال ۱۳۸۳ با اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان، کارکنان دستگاه‌های غیردولتی و مشمولین قانون کار شاغل در دستگاه‌های موضوع قانون نیز از مزایای قانون مزبور برخوردار شدند. لذا با توجه به ورود گروه دیگری از جانبازان که از لحاظ بازنشستگی و نظام بازنشستگی تابع شرایط و ضوابط خاص دیگری بودند، ضرورت ایجاد می‌نمود که ضوابط اجرای قانون برای گروهی که از لحاظ بازنشستگی تابع نظام دیگری هستند نیز پیش‌بینی شود بدین منظور بود که قانون‌گذار در اصلاحیه سال ۱۳۸۳ ضوابط اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان را با تصویب هیأت وزیران پیش‌بینی نمود.

۳- با توجه به گسترش دامنه شمول قانون به دو گروه از کارکنان با دو نظام حمایتی و بازنشستگی خاص، هیأت وزیران در سال ۱۳۸۵ با توجه به وضعیت ایجاد شده دو حالت محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی که در قانون تصریح شده بود را به شرح ذیل تبیین نمود. گروه اول مشمولین، در خصوص کارکنان دستگاه‌های دولتی است که مطابق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی، آخرین مبلغ مندرج در حکم استخدامی آنان ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی قرار گرفته است، گروه دوم مشمولین، کارکنان دستگاه‌های غیردولتی و مشمول قانون کار شاغل در دستگاه‌های دولتی بوده که ملاک محاسبه آخرین حقوق برای این گروه مطابق قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی آن تعیین

مرفعین بی درد و مسئولین جنگ ندیده، درد نکشیده و ... امثالهم قرار گیرند؟ در این راستا پر واضح است که ماهیت قانون (به لحاظ جامعیت و فراگیر بودنش) و عقل و منطق اقتضا می‌نماید که هیچ تبعیضی بین سربازان و جان برکف ولایت وجود نداشته باشد یا به عبارتی به صورت یک بام و دو هوا عمل نشود. چرا اینکه با اصالت و هویت و روح نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در تعارض است. لذا از محضر آن جایگاه منیع قضایی استدعا دارد باتوجه به شرح فوق‌التوصیف و آنچه که در پرونده منعکس است در وقتی فوق‌العاده و خارج از نوبت اولاً: حکم به ابطال ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ و بند ب بخشنامه ۴۵/۲ متشاککی‌عنه به دلیل مغایرت صریح با روح قانون مورد تمنا می‌باشد. ثانیاً: الزام متشاککی‌عنه به برقراری حقوق بازنشستگی از تاریخ بازنشستگی بر اساس آخرین حقوق دریافتی به تناسب آخرین حکم کارگزینی به موجب ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ مور استدعا می‌باشد.»

متن مقررهای مورد اعتراض به قرار زیر است:

۱) بند «ب» بخشنامه شماره ۴/۵ مستمریهای حوزه فنی درآمد:

حوزه فنی و درآمد فنی نحوه محاسبه مستمری بازنشستگی جانبازان و آزادگان بخشنامه شماره ۴۵/۲ مستمریها

ب) میزان مستمری بازنشستگی مشمولین شاغل در بخش غیردولتی و همچنین مشمولین قانون کار (کارکنان غیررسمی، قراردادی یا دارای عناوین مشابه) دستگاهها و شرکتهای دولتی عبارتست از: متوسط مزد یا حقوق مبنای کسر حق بیمه منقاضی مطابق با مفاد تبصره ماده ۷۷ قانون ضربدر مجموع سابقه قابل احتساب (سابقه اصلی و ارفاقی) تقسیم برسی. تذکر:

۱- در هر حالت خدمت مزاد بر ۳۰ سال مشمولین این بخشنامه در تعیین حقوق بازنشستگی آنها قابل محاسبه نخواهد بود.

۲- منظور از آخرین حقوق مبنای بازنشستگی عبارتست از جمع مبالغ مشمول کسر حق بیمه مندرج در آخرین حکم کارگزینی منقاضی.»

۲) آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ۱۳۸۵/۲/۱۰:

«ماده ۲- ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی جانبازان، آزادگان، معلولین عادی و حوادث ناشی از کار و بیماران ناشی از شرایط خاص کار مشمول این آیین‌نامه اعم از شاغلین در دستگاههای مورد اشاره در بند (۱) یا تبصره (۱) بند (۱) که دارای احکام استخدام رسمی، ثابت یا دارای عناوین مشابه می‌باشند، مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی که براساس ضوابط و مقررات استخدامی حاکم بر دستگاه مربوطه مبنای حقوق بازنشستگی قرار گرفته است و نیز در خصوص آن دسته از افراد موصوف که در بخش غیردولتی (مشمولین تبصره ۱ بند ۱) شاغل می‌باشند، مطابق قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی عمل خواهد شد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی به موجب لایحه شماره ۷۱۰۰/۹۷/۶۳۰۹ - ۱۳۹۷/۹/۲۶ توضیح داده است که:

«جناب آقای دربین

مدیر کل محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: آقای علی اصغر داودی

سلام علیکم

با صلوات بر محمد و آل محمد(ص)

احتراماً؛ عطف به اخطاریه مورخ ۱۳۹۷/۶/۱۵ صادره در پرونده کلاسه ۹۶۰۱۰۴۸، در خصوص شکایت آقای علی اصغر داودی به خواسته ابطال ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۰ و بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ مستمریها، خواهشمند است مقرر فرمایید با عنایت به دفاعیات ذیل نسبت به رد شکایت مطروحه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اقدام لازم مبذول نمایند.

الف) دفاعیات شکلی

نظر به این که شکایات مشابهی با خواسته مطروحه قبلاً در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و در نهایت طی دادنامه هیأت عمومی به شماره ۱۵۵۶ - ۱۳۸۶/۱۳۱۲/۲۶ و دادنامه هیأت تخصصی اداری و استخدامی به شماره ۱ - ۱۳۹۶/۱۳۰ - ۱۳۹۶/۱۳۰ و دادنامه‌های شماره ۹۴۲ الی ۹۴۵ - ۱۳۹۷/۴/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۳۷۵۰/ت/۲۲۶۸۶ هـ - ۱۳۸۵/۳/۶ هیأت وزیران را مورد تأیید قرار داده است. بنابراین موضوع از اعتبار قضیه محکوم بها برخوردار بوده و مطابق ماده ۸۵ قانون دیوان عدالت موجهی جهت رسیدگی آن وجود ندارد. لذا از این حیث خواسته شاکی قابل رد باشد.

اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور» اعلام می‌دارد:

۱- سابقاً برابر شکایات مربوطه دیگر، موضوع برابر دادنامه شماره ۱۵۵۶ - ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ (کلاس ۴۴۵/۸۶) و قرارهای شماره ۱۵۵ - ۱۳۸۸/۲/۲۳ (کلاس ۹۶۲/۸۷) و شماره ۸۸۲ - ۱۳۸۸/۱۲/۱۶ (کلاس ۷۹۱/۸۸) هیأت عمومی دیوان مورد رسیدگی و رد شکایت قرار گرفته است لذا در شکواییه اخیر نیز صدور قرار رد درخواست بر اساس ماده ۸۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مورد استدعاست.

۲- ضمن تأکید بر مفاد بند (۱) فوق در خصوص اهمیت موضوع مطروحه لازم به ذکر است برابر ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور (مصوب ۱۳۶۷) و اصلاحیه آن (مصوب ۱۳۸۳) و نیز قانون استفساریه تبصره ۶ ماده واحده قانون موصوف (مصوب ۱۳۸۴) اشخاص مشمول قانون مزبور (جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی، معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور) که در بخش غیردولتی اشتغال دارند، شامل کارکنان شهرداریها، بنیاد شهید و امور ایثارگران و نیز کارگران جانباز و آزاده شاغل در بخش غیردولتی بوده و عمده این افراد، مشمول قانون تأمین اجتماعی می‌باشند.

۳- با توجه به اصلاحیه همان قانون در سال ۱۳۸۳ مقرر می‌گردد «کارگران مشمول قانون کار» شاغل در بخش دولتی و غیردولتی (به شرح فوق) نیز تحت پوشش قانون موصوف (قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور) قرار گرفته و دو تبصره به عنوان تبصره‌های ۵ و ۶ به مفاد قانون الحاق می‌گردد به نحوی که «جانبازان و آزادگان کارگر مشمول قانون کار و تأمین اجتماعی ... مشمول این قانون قرار گرفته» و «پرداخت هزینه‌های ناشی از اصلاح این قانون ... در دستگاه‌های دولتی به عهده دستگاه مربوط و در دستگاه‌های غیردولتی از جمله دستگاه‌های مشمول قانون کار به عهده دولت قرار گرفته که با اعلام آن توسط سازمان تأمین اجتماعی اعتبار مربوط طی ردیف جداگانه‌ای همه ساله در بودجه کل کشور پیش‌بینی و به حساب سازمان یاد شده پرداخت خواهد شد.»

علاوه بر موارد یاد شده همچنین در بند ۳ اصلاحیه قانونی یاد شده (مصوب ۱۳۸۳) مقرر می‌گردد: «آیین‌نامه اجرایی این قانون (قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۳) توسط سازمان تأمین اجتماعی با همکاری بنیاد شهید و امور ایثارگران تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.» بنابراین و با توجه به تغییرات یاد شده و تسری حیطه شمول قانون به کارگران مشمول قانون و نیز جانبازان و ایثارگران شاغل در بخش‌های غیردولتی و تأمین بار مالی مورد نیاز تدوین آیین‌نامه اجرایی مربوطه در صلاحیت دولت قرار گرفته است.

۴- با عنایت به موارد مرقوم هیأت وزیران در سال ۱۳۸۵ و برابر مصوبه مورد اشاره شاکي ضوابط لازم را تدوین نموده و برابر ماده ۲ این قانون مقرر می‌دارد: «ماده ۲- ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی جانبازان، آزادگان، معلولین عادی و حوادث ناشی از کار و بیماران ناشی از شرایط خاص کار مشمول این آیین‌نامه اعم از شاغلین در دستگاه‌های مورد اشاره در بند ۱ یا تبصره ۱ بند ۱ که دارای احکام استخدام رسمی، ثابت یا دارای عناوین مشابه می‌باشند، مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی که بر اساس ضوابط و مقررات استخدامی حاکم بر دستگاه مربوطه مبنای حقوق بازنشستگی قرار گرفته است و نیز در خصوص آن دسته از افراد موصوف که در بخش غیردولتی (مشمولین تبصره ۱ بند ۱) شاغل می‌باشند مطابق قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی عمل خواهد شد.» در ضمن لازم به توضیح است مشمولین تبصره ۱ بند ۱ (ماده ۱) مقرر مربوط به مشمولین قانون کار و قانون تأمین اجتماعی شاغل در بخش غیردولتی و نهادهای عمومی غیردولتی می‌باشد. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد برابر ضوابط ماده ۲ مقرر شیوه محاسبه مستمری مورد نظر بدین شرح است:

الف - نحوه محاسبه مستمری بازنشستگی کلیه مستخدمین رسمی، ثابت یا عناوین مشابه در کلیه دستگاه‌های دولتی، صرف نظر از صندوق بازنشستگی آنان و مطابق با مفاد ماده ۱ ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۶۸ که مقرر می‌دارد: «در تعیین حقوق بازنشستگی آنان آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می‌گیرد.» بر اساس مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی می‌باشد.

ب - نحوه محاسبه مستمری بازنشستگی کلیه مستخدمین رسمی، ثابت یا عناوین مشابه در کلیه دستگاه‌های غیردولتی مشمول قانون، نیز بر اساس مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی خواهد بود لیکن چنانچه مستخدمین بخش غیردولتی موصوف، مشمول قانون کار و قانون تأمین اجتماعی باشند (مورد اعتراض شاکي) در این حالت نحوه محاسبه بر اساس قانون تأمین اجتماعی (میانگین حق بیمه پرداختی در دو سال آخر خدمت) تعیین شده است.

۵ - با توجه به موارد مرقوم و اینکه مفاد قانون نحوه بازنشستگی جانبازان ... و اصلاحات و الحاقات بعدی آن، حکم قانون تأمین اجتماعی در خصوص مشمولین قانون کار و تأمین

می‌گردد. بدین معنی که جانبازان شاغل در دستگاه‌های غیردولتی و مشمول قانون کار شاغل در دستگاه‌های موضوع قانون، باتوجه به این که از لحاظ محاسبه مستمری دارای نظام خاص تأمین اجتماعی هستند مطابق مقررات همان نظام خاص، از مزایای مستمری بازنشستگی بهره مند می‌شوند. بنابراین ملاحظه می‌فرمایید که ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و ... در مقام تعیین حقوق مستمری نبوده، بلکه در صدد ملاک و معیار تعیین آخرین حقوق قبل از بازنشستگی بوده است. بنابراین از این حیث نیز خواسته شاکي قابل رد می‌باشد.

۴- شاکي در بخش دوم خواسته، تقاضای ابطال بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ مستمریها دارد. در حالی که استنباط شاکي از بخشنامه موصوف بنا به دلایل ذیل صحیح نمی‌باشد.

الف - بند «ب» بخشنامه معترض عنه مقرر نموده میزان مستمری بازنشستگی مشمولین شاغل در بخش غیردولتی و همچنین مشمولین قانون کار (کارکنان غیررسمی، قراردادی، یا دارای عناوین مشابه) دستگاهها و شرکتهای دولتی عبارت است از متوسط مزد یا حقوق مبنای کسر حق بیمه متقاضی مطابق با مفاد تبصره ماده ۷۷ قانون ضربدر مجموع سابقه قابل احتساب (سابقه اصلی و ارفاقی) تقسیم بر سی، از آنجا که در ذیل متن ماده واحده عبارت «تعیین حقوق بازنشستگی آنان آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می‌گیرد» درج گردیده است و در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۰ حکم خاصی برای تعیین حقوق بازنشستگی وضع شده که اعتبار آن از قانون مذکور اخذ نموده است. که به موجب آن مقرر گردیده، ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی جانبازان، آزادگان، معلولین عادی و حوادث ناشی از کار و بیماران ناشی از شرایط خاص کار و مشمول این آیین‌نامه اعم از شاغلین در دستگاه‌های مورد اشاره در بند ۱ یا تبصره (۱) بند (۱) که دارای احکام استخدام رسمی ثابت یا دارای عناوین مشابه می‌باشند، مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی که بر اساس ضوابط و مقررات استخدامی حاکم بر دستگاه مربوط مبنای حقوق بازنشستگی قرار گرفته است و نیز آن دسته از افراد موصوف که در بخش غیردولتی (مشمولین تبصره ۱ بند (۱)) شاغل می‌باشند، مطابق قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی عمل خواهد شد. در این راستا بند ب بخشنامه ۴۵/۲ مستمریها عیناً منطبق با ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی فوق‌الذکر تنظیم گردیده و مغایرتی با آن ندارد.

بنابراین طبق قانون تأمین اجتماعی محاسبات مربوط به کسر حق بیمه از حقوق و مزایای بیمه شدگان مطابق بندهای ۵ و ۶ ماده ۲ تأمین اجتماعی صورت می‌گیرد و بر این مبنا حق بیمه مشمولین این قانون دریافت می‌گردد و نحوه محاسبه مربوط به مستمری بازنشستگی نیز در ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی و تبصره آن معین شده است و در خصوص کلیه مشمولین قانون ماده یاد شده معیار پرداخت مستمری بازنشستگی است لیکن در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور در خصوص بخش غیردولتی مورد اشاره در (مشمولین تبصره «بند ۱») شاغل می‌باشند، مطابق قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی عمل خواهد شد، که این سازمان نیز در خصوص محاسبه مستمری بازنشستگی مشمولین فوق‌الذکر مطابق آن عمل می‌نماید. با عنایت به مراتب فوق و اینکه ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و ... در مقام تعیین حقوق مستمری نبوده، بلکه در صدد ملاک و معیار تعیین آخرین حقوق قبل از بازنشستگی بوده و بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ مستمریها، عیناً منطبق با ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی فوق‌الذکر تنظیم گردیده و مغایرتی با آن ندارد و همچنین شکایات مشابهی با خواسته مطروحه قبلاً در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و در نهایت طی دادنامه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۵۵۶ - ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ و دادنامه هیأت تخصصی اداری و استخدامی به شماره ۱ - ۱۳۹۶/۱/۳۰ و دادنامه‌های ۹۴۲ الی ۹۴۵ - ۱۳۹۷/۴/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۲۶۸۶/ت/۳۳۷۵۰ - ۱۳۸۵/۳/۶ هیأت وزیران را مورد تأیید قرار داده است. لذا ادعای شاکي در این خصوص بلا دلیل می‌باشد، تقاضای رسیدگی و رد شکایت مطروحه مورد استدعاست.»

معاون امور حقوقی دولت [حوزه معاونت حقوقی رئیس جمهور] نیز به موجب لایحه شماره ۱۰۷۸۲۹-۳۵۸۴۴/۱۰۷۸۲۹-۱۳۹۷/۸/۱۵ توضیح داده است که:

«مدیرکل دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری با سلام و احترام

بازگشت به ابلاغیه شماره ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۰۹۰ (کلاس ۱۰۴۸/۹۶) موضوع ارسال نسخه دوم درخواست آقای علی اصغر داودی، به خواسته «ابطال قسمتی از ماده ۲ تصویب‌نامه شماره ۲۲۶۸۶/ت/۳۳۷۵۰ - ۱۳۸۵/۳/۶ هیأت وزیران (آیین‌نامه اجرایی قانون

اجتماعی در بخش غیردولتی را نسخ ننموده و اینکه برابر اصلاحیه سال ۱۳۸۳ همان قانون نیز نحوه تدوین آیین‌نامه اجرایی مربوطه (با لحاظ اصلاحات انجام شده و تسری قانون به مشمولین قانون کار و جانبازان و آزادگان کارگر مشمول قانون کار و تأمین اجتماعی شاغل در بخشهای غیردولتی) را بر عهده دولت قرار داده است لذا هیأت وزیران به شرح فوق اقدام به اتخاذ تصمیم نموده است که کاملاً مبتنی بر موازین قانونی مربوطه می‌باشد. در خاتمه با توجه به موارد معنونه صدور تصمیم شایسته مبنی بر رد شکایت مطروحه مورد استدعاست.»

در خصوص قسمت دیگر از خواسته شاکي مبنی بر ابطال ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ هیأت وزیران، نظر به اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پیشتر به موجب دادنامه شماره ۱۵۵۶ - ۱۳۸۶/۱۲/۲۶، آیین‌نامه فوق‌الذکر را ابطال کرده است، در اجرای ماده ۸۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ قرار رد شکایت به شماره دادنامه ۳۱ - ۱۳۹۸/۱۰/۲۰ صادر شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۴ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه اولاً: به موجب ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ در تعیین حقوق بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی، معلولین حوادث ناشی از کار، بیماران ناشی از شرایط خاص کار و معلولین عادی کلیه وزارتخانه‌ها، شرکتها، مؤسسات دولتی، شهرداریها، بانکها، مؤسسات و شرکتها و سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و همچنین بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی ایران آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می‌گیرد و به موجب تبصره ۵ اصلاحی قانون مذکور مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ جانبازان و آزادگان کارگر مشمول قانون کار و تأمین اجتماعی با لحاظ تبصره (۲) ماده (۲) قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ مشمول این قانون قرار گرفته‌اند.

ثانیاً: به موجب تبصره ۱ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ هیأت وزیران، جانبازان، معلولین، شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور و آزادگان تابع قانون کار و قانون تأمین اجتماعی بخشهای غیردولتی مشمول قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نیز مشمول مقررات قانونی مذکور قرار گرفته‌اند و در ماده ۲ آیین‌نامه مقرر شده ملاک محاسبه آخرین حقوق این افراد (اعم از شاغلین در دستگاههای موضوع ماده ۱ یا تبصره ۱ آن) در صورتی که دارای احکام استخدام رسمی، ثابت یا دارای عناوین مشابه باشند، مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی است و در خصوص آن دسته از افراد موصوف که در بخش غیردولتی (مشمول تبصره ۱ ماده ۱) شاغل هستند، مطابق قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی عمل خواهد شد. لذا به موجب مقررات قانونی ذکر شده صرفاً مبنای محاسبه آخرین حقوق مشمولین ماده واحده مذکور که تابع قانون کار و تأمین اجتماعی بوده و فاقد حکم استخدامی هستند باید به موجب قانون تأمین اجتماعی قابل به عمل آید. بنابراین جزء ب بند ۱ بخشنامه ۴۵/۲ سازمان تأمین اجتماعی که میزان مستمری بازنشستگی مشمولین شاغل در بخش غیردولتی (موضوع مقررات قانونی ذکر شده) و همچنین مشمولین قانون کار دستگاهها و شرکتها دولتی را به جای آخرین حقوق، تابع تبصره ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی و متوسط مزد یا حقوق ظرف آخرین دو سال پرداخت حق بیمه قرار داده خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص داده می‌شود و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۹ شماره دادنامه: ۱۴۲۳ شماره پرونده: ۶۱/۹۶
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکي: آقای مهرداد بری حقیقی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۴۱-۴ آیین‌نامه عملیاتی و شرایط عمومی تعرفه‌های آب و فاضلاب وزارت نیرو

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۴۱-۴ آیین‌نامه عملیاتی و شرایط عمومی تعرفه‌های آب و فاضلاب وزارت نیرو را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً به استحضار می‌رساند اینجانب مالک دو باب آپارتمان در خیابان ملاصدرا ساختمان نیکان و بلوار معالی آباد شیراز ساختمان مهر هستم که به عنوان مدیر ساختمان نیکان از سوی شرکت آب و فاضلاب منطقه ۲ شیراز مخاطب اظهاریه‌های متعدد دایره بر قطع آب قرار گرفته و با مراجعه به شرکت آب با خواسته غیرقانونی و خلاف مقررات آن شرکت روبرو گردیدم که اعلام داشتند علیرغم اینکه ساختمان شما دارای تنها یک کنتور آب می‌باشد و بر همین اساس نیز ماهانه یک فقره قبض آب به نحو تصاعدی (بلحاظ افزایش مصرف آب توسط ساکنین) پرداخت می‌نمایند لیکن مطابق آیین‌نامه عملیاتی وزارت نیرو، شرکت‌های آب و فاضلاب سراسر کشور مجازند در هنگام محاسبه حق انشعاب فاضلاب، از کنتور اصلی که ماهانه قرائت می‌شود عدول نموده و بر اساس تعداد واحدهای ساختمان انشعاب را محاسبه و وصول نمایند فلذا با توجه به اظهاریه‌های صادره توسط آن شرکت خصوصاً اینکه همزمان آب واحد متعلق به اینجانب در ساختمان دیگر بنده در بلوار معالی آباد ساختمان مهر به همین بهانه از سوی شرکت آب قطع شده بود و شرکت آب پس از دریافت حق انشعاب از ۳۶ واحد و من جمله اینجانب آب را مجدداً وصل نموده بود، لاجرم به موجب قبوض پرداختی منضم به این دادخواست جمعاً مبلغ ۲۰۶/۹۱۰/۰۰۰ ریال بابت کنتور ۲۰۴۵۴ بابت ۸ واحد به حساب شرکت آب واريز تا از ایجاد مزاحمت از طریق قطع آب جلوگیری کرده باشم لیکن با بررسی بیشتر متوجه عدم تطابق آیین‌نامه عملیاتی وزارت نیرو که مع الاسف مشتکی‌عنهمای موصوف حاضر به ارائه مستندات آن نیز نشدند با قوانین موضوعه شدم لیکن علیرغم تذکر غیرقانونی بودن عمل مزبور نه تنها تاکنون حاضر به اصلاح تعرفه‌های خود نشده‌اند بلکه حتی در صورت عدم پرداخت اقساط راساً اقدام به قطع آب ساختمان از طریق واحد بازرسی شرکت آب اقدام می‌نمایند که تاکنون دو بار آب ساختمان اینجانب در معالی آباد در تیر ماه و اسفند ماه سال جاری قطع شده است. علیهذا:

اولاً: حکایت یک بام و دو هوای شرکت آب و فاضلاب و وزارت نیرو تا بدانجاست که آن گاه که قبوض ماهانه مصرفی آب را بدست مصرف‌کننده می‌دهند بر اساس یک کنتور میانگین مصرف را تعیین و مزاد بر آن را به عنوان مصرف مزاد بر میانگین مشمول جرائم سنگین می‌کنند که با توجه به افزایش مصرف آب در فصول گرم سال گاه‌آب بهای ساختمان مهر معالی آباد تا بیش از یک میلیون تومان نیز رسیده است فلذا در اینجا نفع مشتکی‌عنهمای موصوف در تعیین نرخ آب بهاء بر اساس یک کنتور می‌باشد و اساساً شمارشی توسط کنتورهای فرعی که نقش دکوری دارند مشاهده نمی‌شود لیکن هنگامی که کار به اخذ حق انشعاب فاضلاب می‌رسد به یکباره موضوع دگرگون می‌شود و کاری به داشتن یک کنتور ندارند و بر اساس تعداد واحدها عوارض حق انشعاب فاضلاب محاسبه و دریافت می‌دارند که این امر بر خلاف قوانین موضوعه است و نمی‌توان برای یک موضوع قواعد و مقررات متفاوت را اعمال نمود. متن سؤال روشن است لیکن پاسخ‌هایی که داده می‌شود متناقض است. سؤال: آپارتمانها اگر یک کنتور دارند که بایستی بر اساس یک کنتور، یک حق انشعاب بپردازند ولی اگر محاسبه آب بها بر اساس تعداد واحدها و تعداد کنتورهای فرعی است پس چرا آب بهاء مصرفی را وفق یک کنتور اصلی محاسبه و مشمول نرخ تصاعدی می‌نمایند؟

ثانیاً: صرف نظر از اینکه قطع آب منازل مسکونی به لحاظ اصول شرعیه نیازمند دستور قضایی است و مأمورین شرکت آب مطابق بخش اخیر ماده ۵۳ قانون ملی شدن آب مصوب ۱۳۴۷/۴/۲۷ حتی برای اشخاصی که آب بهاء را پرداخت نمی‌کنند صرفاً بایستی از طریق صدور اجرائیه از طریق اداره ثبت محل اقدام به وصول مطالبات خود نمایند و راساً حق قطع آب برای مصارف خانگی را ندارند و استثنائاً در همین ماده برای مصارف کشاورزی قطع آب آن هم برای پس از برداشت محصول سال زراعی موجود پیش‌بینی شده که سازمان آب حق خودداری از تحویل آب در سال زراعی آینده را خواهد داشت. حال چگونه است که مشتکی‌عنهمای موصوف در آیین‌نامه مصوب خود، حقی را برای خود قائل شده‌اند که مغایر با نصوص قانونی و اصول شرعی و اعتقادات مذهبی ماست جایی که در تیر ۱۳۹۵ خانواده‌های متعددی و من جمله واحد بنده در معالی آباد با چنین رفتار خلاف قانون و شرع مشتکی‌عنهما و قطع آب روبرو شده‌ایم و ایضاً همین رفتار را برای عدم پرداخت دو قسط باقی مانده‌ای که هیچ اطلاعی از میزان آن نداشته‌ام تکرار شده است. حال که اذن قانونی در قطع وجود ندارد، بر فرض محال که

شماره ۹۶۰۰۶۱

۱۳۹۸/۷/۳۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۲۳ مورخ ۱۳۹۷/۷/۹ با موضوع: «ابطال اطلاق بند ۴۱-۴ آیین‌نامه عملیاتی و شرایط عمومی تعرفه‌های آب و فاضلاب مصوب وزارت نیرو» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

۳- مستند خلاف قانون بودن مصوبه در فوق توضیح داده شد اما مستند خلاف شرع بودن مصوبه قاعده تسلیط و حدیث نبوی الناس مسلطون علی اموالهم می باشد که وزارت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تنها با تمسک به مصوبه وزیری که صلاحیت وضع مقررات و قانونگذاری و محدود کردن آزادیهای عمومی و حقوق مالکانه اشخاص را ندارد اقدام به قطع آب منازل مسکونی آن هم به بهانه ندادن حق انشعاب فاضلاب می نماید که نه تنها مغایر با نص شرعی فوق می باشد بلکه با اعتقادات مذهبی و شیعی ما که اعتقاد داریم قطع آب در سیره امامان معصوم نکوهش شده و یاد آور قساوت قلب لشکریان یزید است، در تعارض می باشد و معلوم نیست در کشوری اسلامی مأمورین حکومت اسلامی چگونه به خود اجازه این عمل غیرشرعی و غیرقانونی و غیرانسانی را می دهند تا حدی که خانواده های ساکن در مجتمع مسکونی تا چند روز ظرف به دست به دنبال تأمین آب شرب بوده اند.

۴- در خصوص ایراد چهارم که تصویری از مصوبه را درخواست کرده اید به استحضار می رساند مأمورین وزارت نیرو از ارائه آن خودداری و تنها در اخطاریه ای که ضمیمه پرونده نموده ام، مستند قطع کردن آب را مصوبه وزیر نیرو اعلام داشته اند که استدعا دارد به متن اخطاریه توجه فرمایید.»

مجدداً در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود وی به موجب لایحه ای که به شماره ۲۵۸۳-۱۳۹۷/۲/۱ ثبت دفتر هیأت عمومی شده پاسخ داده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام

احتراماً در خصوص دادخواست اینجانب موضوع پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۸۵۰۰۰۱۳ شماره بایگانی ۶۱/۹۶ و پیرو اخطاریه رفع نقض صادره توسط دفتر آن شعبه دایر بر تعیین دقیق آن بخش از آیین نامه مصوب وزیر که خلاف شرع است به استحضار می رساند به موجب بخش ۴۱-۴ آیین نامه مصوب وزیر مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۰ که فصل برچیدن دائم انشعاب آب و فاضلاب است وزیر برای عوامل اجرایی خود جمع آوری انشعاب آب و فاضلاب را قائل شده است خصوصاً در بند ب این بخش مستقیماً به بحث بدهی مشترک اشاره نموده است در حالی که اولاً: بدهی اشاره شده مربوط به عدم پرداخت آب بها است نه فاضلاب و ثانیاً: چگونگی انشعاب فاضلابی که هنوز ایجاد نشده و تأسیسات آن توسط شرکت برای منازل مسکونی احداث نشده است و ثالثاً: هم به لحاظ نصوص شرعی که در لوایح قبلی اشاره شد و هم محدودیتهایی که این نامه از باب سلب آزادیهای مشروع فردی مطابق قاعده فقهی الناس مسلطون علی اموالهم ایجاد می کند و قاعدتاً سلب این آزادیها صرفاً در صلاحیت قانونگذار است و نمی تواند یک وزیر برای خود حق سلب آزادیهای عمومی و فردی را قائل شود به نظرم این بخش از آیین نامه مغایر با شرع و نصوص قانونی و خارج از صلاحیت وزیر مربوطه بوده است لذا استدعای صدور حکم شایسته را دارم.»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«۴۱-۴- برچیدن دائم انشعاب آب و فاضلاب

در هر یک از حالات زیر شرکت، انشعاب آب و فاضلاب مشترک را به طور دائم جمع آوری، پرونده را باطل و با مشترک تسویه حساب خواهد نمود.

الف) هرگاه مشترکی که تنها استفاده کننده از انشعاب می باشد درخواست برچیدن دائم انشعاب را بنماید (در صورتی که از یک انشعاب چند مصرف کننده مستقل استفاده کنند می باید کلیه استفاده کنندگان درخواست نمایند).

ب) هرگاه بدهی مشترک یا استفاده کننده پس از گذشت حداقل یکسال از تاریخ قطع موقت جمعاً به پنجاه (۵۰) درصد هزینه های برقراری انشعاب آب و فاضلاب مندرج در جدول هزینه های عمومی برقراری انشعاب برسد و علیرغم اخطار شرکت بدهی مربوطه پرداخت نکرده.

ج) هرگاه سه سال از تاریخ قطع موقت بگذرد و مشترک یا استفاده کننده علیرغم اخطار شرکت وضع خودش را مشخص ننماید.

د) در صورت تکرار خلاف موضوع بند ۲- ۴۰ - ۴ برای بار دوم در ارتباط با وصل خودسرانه انشعاب قطع شده توسط مشترک یا استفاده کننده.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت نیرو به موجب لایحه شماره ۹۶/۲۹۱۰۷/۴۱۰ - ۱۳۹۶/۷/۱ توضیح داده است که:

«رییس و اعضای محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

با احترام، بازگشت به ابلاغیه مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۳ دفتر هیأت عمومی منضم به درخواست آقای مهرداد بری حقیقی در خصوص پرونده کلاسه ۶۱/۹۶ دایر بر تقاضای «ابطال آیین نامه عملیاتی وزارت نیرو در محاسبه حق انشعاب آب و فاضلاب و اعلام غیرقانونی بودن و غیرشرعی بودن عملیات قطع آب مصارف خانگی و اثبات تخلف» ضمن عرض پوزش در تأخیر ارسال پاسخ به جهت تهیه مدارک و مستندات از مبادی ذیربط، به استحضار می رساند:

مشتکی عنهای موصوف بر خلاف قانون حتی موفق به اخذ دستور قضایی هم شده باشد که نشده اند، عملیات قطع می بایست مشمول کنتور اصلی باشد و نه انشعاب داخلی که متأسفانه مأمورین شرکت آب حتی این قاعده بدیهی حقوقی را نیز رعایت نمی نمایند.

ثالثاً: اصولاً تعریف قانونگذار در قانون ملی شدن آب خصوصاً ماده ۵۳ همان قانون از مصرف کننده، همان لفظ به کار گرفته توسط شرکت آب در قبوض ارائه شده به محضر جنابعالی است که آن عبارت «مشترک محترم» است شاید تعبیر و تفسیر لغوی مشترک در محضر قضات فهیم و با درایت دیوان عدالت اداری که کوله باری از علم و تجربه را بر دوش داشته اند که این چنین بر مستند عظمای قضاوت نشسته اند، زیره به کرمان بردن است و بس و مجال این مقال در مباحث کلامی و اصولی است لیکن از باب تشحیذ ذهن قضات معروض می دارد که صرف مفرد بودن کلمه مشترک و اختصاص دادن شماره کنتور معین به وی دلالت بر واحد بودن این کلمه است و نه جمع بودن آن چرا که در این حالت می بایست نه تنها پس از کلمه مشترک حرف اضافه «ین» به معنای جمع مشترکین می آمد بلکه بلافاصله نام همه ۳۶ نفر مالکین ساختمان مهر و من جمله اینجانب و ۸ واحد مالکین ساختمان نیکان و من جمله اینجانب ذکر می شد و برای هر کدام هم یک شماره کنتور اختصاصی ذکر می شد در حالی که مشاهده می شود چنین نشده است. حال چگونه و مستند به کدامین قانون مشتکی عنهای موصوف اصول آیین نامه نویسی را نقض و تکلیفی بر دوش مردم نهاده اند که مغایر با نصوص قانونی است؟ رابعاً: اصولاً ایجاد حق یا تکلیف برای آحاد مردم جامعه تنها در صلاحیت مراجع قانونگذاری است که در ما نحن فیه وزارت نیرو و به تبع آن شرکت آب و فاضلاب اقدام به ایجاد تکلیف مازاد بر قانون برای عموم مردم نموده اند که این امر خارج حدود صلاحیت و اختیارات وزیر نیرو بوده و از این حیث آیین نامه عملیاتی و هر دستورالعمل مشابه آن مستحق نقض می باشد. علیهذا با عنایت به اینکه مطابق تبصره ۱ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری تعیین میزان خسارت وارده و استرداد وجوه مازاد منوط به اثبات تخلف مشتکی عنهما در دیوان می باشد استدعای ابطال آیین نامه عملیاتی وزارت نیرو در محاسبه حق انشعاب آب و فاضلاب و اعلام غیرقانونی بودن عملیات قطع آب مصارف خانگی و النهایه اثبات تخلف مشتکی عنهای موصوف مورد استدعاست.»

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه ای که به شماره ۳۵۷-۱۳۹۶/۳/۲ ثبت دفتر هیأت عمومی شده پاسخ داده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص دادخواست اینجانب موضوع پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۰۹۰۸۵۰۰۰۱۳ شماره بایگانی ۶۱/۹۶ مطروحه در هیأت دیوان عدالت اداری و عطف به اخطاریه رفع نقض صادره توسط دفتر آن هیأت بدین وسیله مستندات مورد درخواست جنابعالی به شرح ذیل به استحضار می رساند:

۱- شکایت اینجانب در دیوان مربوط است به آن قسمت از مصوبه وزیر نیرو که به پرسنل آب و فاضلاب اجازه قطع خودسرانه و خارج از ضوابط قانونی آب منازل مسکونی را اعطاء نموده است که از نظر اینجانب اولاً: برخلاف حدود صلاحیت وزیر و حتی هیأت وزیران است چرا که هر نوع اقدام سلب آزادیهای مشروع قانونی و محدودکننده حقوق مالکانه اشخاص صرفاً در صلاحیت مراجع قانونگذاری است و وزیر یا هیأت وزیران اجازه ایجاد این تکلیف سلب آزادی و حقوق مالکیت افراد را نخواهند داشت که در مصوبه وزیر بدان توجهی نشده است. ثانیاً: همین مصوبه نیز برخلاف موازین شرعی و قانونی است که در ذیل شرح داده خواهد شد.

۲- مطابق ماده ۵۳ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷/۴/۲۷ و همچنین ماده ۳۴ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ اولاً: قطع آب بدون اعطای مهلت قانونی به آب بران ممنوع بوده که در قانون مزبور قطع آب شامل مصارف کشاورزی یا صنعتی است و مشمول منازل مسکونی نخواهد شد و ثانیاً: قطع آب حتی برای مصارف کشاورزی از بعد شروع فصل زراعی آینده خواهد بود و در هر حال وزارت نیرو در قبال ارائه آب می تواند مطالبات خود را از طریق اجراییه دوائر ثبت محل پیگیری کند لیکن مع الاسف وزارت نیرو با اتکاء بر مصوبه وزیر اقدام به قطع آب منازل مسکونی که حق انشعاب فاضلاب را نپرداخته اند می کند که در قوانین مزبور، قطع آب با اخطار متناسب چند ماهه، مرتبط است با عدم پرداخت آب بها و نه حق انشعاب فاضلاب ولی مأمورین وزارت نیرو با خلط موضوعی مبحث از ابزاری که حتی برای قطع آب منازل مسکونی صراحت قانونی ندارد برای قطع آب منازل به علت عدم پرداخت حق انشعاب فاضلاب استفاده می کنند که برخلاف نصوص قانونی فوق می باشد. توضیح آن که آب بهای مصرف در قبوض ماهانه می آید که قانونگذار فقط برای مصارف کشاورزی بحث قطع آب را با اخطار متناسب مطرح کرده است در حالی که انشعاب فاضلاب تنها یک بار هزینه آن دریافت می گردد که وزارت نیرو با استناد ناپجا از مقررات فوق آب منازل مسکونی را قطع می کنند که کاملاً خلاف قانون می باشد.

سپس طبقه مصرفی مربوط به این متوسط مصرف، مبنای محاسبه آب بهای «یک واحد» مسکونی قرار گرفته و نتیجه حاصله در «تعداد واحد مسکونی» ضرب می‌شود. انتهای به عنایت به مراتب فوق و این که کلیه اقدامات مربوط به نحوه محاسبه آب بها، حق انشعاب آب و فاضلاب و قطع آب به جهت عدم پرداخت آب بها و حق انشعاب، وفق مقررات جاری اقدام شده است، لذا تقاضای رد شکایت مطروحه، از آن مقامات محترم قضایی مورد استدعاست.»

همچنین مدیرکل دفتر حقوقی وزارت نیرو به موجب لایحه شماره ۹۸/۱۸۷۴۸/۴۱۰ - ۱۳۹۸/۳/۲۵ توضیح داده است که:

«احتراماً به استحضار می‌رساند: لایحه دفاعیه اولیه با شماره ۹۶/۲۹۱۰۷/۴۱۰ - ۱۳۹۶/۶/۱ با عنایت به محتویات پرونده قبلاً به حضورتان تقدیم گردیده است، لیکن در حال حاضر با عنایت به موضوع جدید مطروحه توسط خواهان مبنی بر درخواست ابطال بند ۴۱-۴ آیین‌نامه عملیاتی شرکت‌های آب و فاضلاب به استحضار می‌رساند:

۱- انشعابهای منصوب در املاک بدواً به درخواست مالک اولیه به نام ایشان برقرار و پس از آن که تجدید بنا صورت می‌گیرد و واحدهای متعددی در یک ملک احداث می‌شود، خریداران آپارتمانها که از انشعاب برقرار شده به موجب قرارداد منعقد اولیه با مالک ملک استفاده می‌نمایند قائم مقام مالک اولیه هستند و تعهدات مالک اولیه انشعاب نیز به عهده آنان می‌باشد.

۲- آقای غلامعباس کرمی در درخواست اشتراک فاضلاب خود موضوع قرارداد شماره ۸۵۵۷۲ صراحتاً اعلام نموده است که «با اطلاع و تبعیت کامل از آیین‌نامه عملیاتی آن شرکت و بر اساس جدول ذیل درخواست انشعاب آب/فاضلاب نموده و در صورت عدم رعایت آیین‌نامه عملیاتی بدون هیچگونه تشریفات قضایی و قانونی شرکت مجاز به قطع انشعاب آب و فاضلاب ملک این بنا خواهد بود» و در خصوص ملک دیگر ایشان آقای محمدرضا طالب نژاد و شرکاء در درخواست اشتراک فاضلاب خود موضوع قرارداد شماره ۳۵۲۸۶ صراحتاً به شرح فوق‌الذکر بر تبعیت از آیین‌نامه عملیاتی شرکت آب و فاضلاب اقرار نموده است و همچنین محمدرضا طالب نژاد در قرارداد انشعاب آب ملک یاد شده فوق در بندهای مختلف و از جمله صراحتاً در بند (۲۱) اعلام نموده است که در صورت اعلام شرکت نسبت به پرداخت هزینه و اتصال به شبکه دفع فاضلاب شهری اقدام و در غیراین صورت به شرکت اجازه داده است نسبت به قطع انشعاب آب ملک اقدام نماید. بدین ترتیب مالکین اولیه انشعابات املاکی که در حال حاضر شاکی از واحدهایی از آپارتمانهای احداث شده استفاده می‌نمایند، پذیرفته‌اند که در صورت تخلف، از جمله عدم خرید انشعاب فاضلاب یا نپرداختن اقساط آن، نسبت به قطع انشعاب که همان جمع‌آوری انشعاب موضوع بند ۴۱-۴ آیین‌نامه عملیاتی شرکت‌های آب و فاضلاب می‌باشد، اقدام شود.

۳- ماده «۱۵» قانون تشکیل شرکت‌های آب و فاضلاب، انشعاب آب و فاضلاب را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته و مالکین املاک واقع در طرح‌های جمع‌آوری فاضلاب را ملزم به تقاضای نصب انشعاب و پرداخت هزینه‌های آن نموده و چنانچه اقدام نمایند شرکت‌های آب و فاضلاب نسبت به قطع انشعاب آب این گونه املاک اقدام نموده و برقراری مجدد منوط به درخواست نصب انشعاب فاضلاب و پرداخت هزینه آن می‌باشد بنابراین شاکی به‌استناد ماده قانونی فوق مکلف به تقاضای انشعاب فاضلاب و پرداخت هزینه‌های آن بوده و آیین‌نامه عملیاتی شرکت‌های آب و فاضلاب مبتنی بر قانون بوده و اقدام شرکت آب و فاضلاب در قطع انشعاب آب نیز بر اساس صراحت قانونی فوق صورت گرفته است.

۴- همان گونه که در نظریه شماره ۹۷/۱۰۲/۶۶۱۷ - ۲۲ / ۱۳۹۷/۵ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام آن مرجع در خصوص شکایت فوق‌الذکر اشاره شده است، شرکت‌های آب و فاضلاب بر اساس مستندات پیوست نسبت به عقد قرارداد و اعلام قیود و شرایط مبنی بر این که آیین‌نامه عملیاتی شرکت‌های آب و فاضلاب جزء لاینفک قرارداد می‌باشند، اقدام نموده و حتی در قبوض مصرفی نیز به آیین‌نامه‌های عملیاتی اشاره می‌نمایند و این امر با تحقق دولت الکترونیک در درگاه اینترنتی شرکت‌های آب و فاضلاب به شرح پیوست دیده شده و مشترکین نسبت به قبول آن با انتخاب گزینه مربوطه اقدام می‌نمایند و بدین لحاظ همان گونه که شورای نگهبان نیز اشاره نموده‌اند جمع‌آوری انشعابات برابر قیود و شرایط ضمن عقد در قرارداد مشترک با شرکت‌های آب و فاضلاب انجام شده است و درخواست خواهان پرونده جهت ابطال این بند فاقد وجهت قانونی می‌باشد.

علیهذا با عنایت به موارد فوق بند ۴۱-۴ آیین‌نامه عملیاتی شرکت‌های آب و فاضلاب فاقد هرگونه ایراد شرعی و قانونی بوده و رد دعوی مطروحه توسط آن مرجع مورد استدعاست.» در خصوص ادعای شاکی مبنی بر مغایرت مقرر در اعتراض با شرع مقدس اسلام، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب لایحه شماره ۹۷/۱۰۲/۶۶۱۷ - ۲۲ / ۱۳۹۷/۵ اعلام داده است:

«استندی که بر اساس آن وزارت نیرو بتواند مفاد بند مورد شکایت را جعل نماید یافت نشد و در صورتی که اعطاء حق انشعاب به مشترکین به نحو مطلق و بدون قید و شرط باشد (که به نظر بعید می‌رسد این گونه باشد) جمع‌آوری انشعاب و منع مشترکین از استفاده نمودن از حق انشعاب در صورت تحقق قسمت (ب) بند مورد شکایت خلاف

اولاً - شاکی دلیلی بر تزییع حق ایشان و یا تخطی از مقررات مورد عمل توسط وزارت نیرو ارائه ننموده است، حسب مفاد دادخواست تسلیمی، شکایت ایشان از عملکرد شرکت آب و فاضلاب مربوطه می‌باشد که مستفاد از ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، رسیدگی به موضوع مطروحه خارج از صلاحیت هیأت عمومی است. ضمن اینکه شرکت مزبور وفق مواد ۵۸۳ و ۵۸۷ قانون تجارت و مواد ۴، ۶، ۸، ۲۱، ۲۳ اساسنامه خود، دارای شخصیت حقوقی و ارکان قانونی مستقل بوده و مدیرعامل آن، به عنوان بالاترین مقام اجرایی شرکت، مسئول پاسخگویی به مراجع اداری و قضایی می‌باشد؛ همچنین شرکت‌های آب و فاضلاب شهری، از جمله شرکت آب و فاضلاب استان فارس مستند به مواد ۱ و ۳ قانون تشکیل شرکت‌های آب و فاضلاب مصوب ۶۹/۱۰/۱۱ و با توجه به ترکیب سهام، سهامی خاص (ماده ۶ اساسنامه)، در عداد شرکت‌های غیردولتی می‌باشد که رسیدگی به ادعای مطروحه بر علیه آن مطابق رأی شماره ۱۰۷ - ۱۳۷۷/۵/۲۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از صلاحیت دیوان عدالت اداری خارج است.

ثانیاً - شاکی با استناد به ماده «۵۳» منسوخ قانون آب و نحوه ملی شدن آن و همچنین برداشت نادرست از ماده «۳۴» قانون توزیع عادلانه آب، با کلی گویی و به صورت غیرمنجز نسبت به نحوه محاسبه بهای آب مصرفی و اقدامات شرکت آب و فاضلاب در قطع انشعاب ایشان اعتراض نموده و ابطال آیین‌نامه عملیاتی وزارت نیرو در خصوص محاسبه حق انشعاب آب و فاضلاب را تقاضا دارند در حالی که:

۱- وفق ماده ۳۳ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ «وزارت نیرو موظف است نرخ آب را برای مصارف شهری و کشاورزی و صنعتی و سایر مصارف با توجه به نحوه استحصال و مصرف برای هریک از مصارف در تمام کشور تعیین و پس از تصویب شورای اقتصاد وصول نماید...» و بر اساس ماده ۳۴ قانون مذکور «آب بران موظف به پرداخت بهای آب مصرفی و یا عوارض آن بر اساس بندهای الف و ب مذکور در ماده ۳۳ این قانون می‌باشند و الا آب مصرف کننده‌ای که حاضر به پرداخت آب بها نگردیده است پس از مهلت معقولی که از طرف دولت به مصرف کننده داده خواهد شد قطع می‌گردد و چنانچه مصرف کننده از پرداخت بدهی‌های معوقه خود بابت آب بها و یا عوارض استنکاف نماید دولت صورت بدهی مصرف کننده را جهت صدور اجراییه به اداره ثبت محل ارسال خواهد کرد و اداره ثبت مکلف است بر طبق مقررات اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا نسبت به صدور ورقه اجراییه و وصول مطالبات از بدهکار اقدام کند.» و همچنین به استناد ماده ۳ قانون مجازات استفاده‌کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز که اشعار می‌دارد «... مصرف‌کنندگان مجاز غیردولتی خدمات عمومی مکلفند بهای خدمات مصرفی خود را در موعد مقرر پرداخت نمایند و در غیراین صورت پس از اتمام مهلت مناسبی که از سوی دستگاه ذی ربط داده می‌شود خدمات برق، گاز، آب و فاضلاب آنان تا زمان پرداخت توسط دستگاه ذی ربط قطع می‌شود...» بنابراین قطع آب مشترکینی که بهای آب مصرفی خود را نپردازند توسط دستگاه‌های مربوطه به موجب قوانین مذکور تصریح گردیده و این امر مقدم بر درخواست وصول مطالبات از طریق اجراییه ثبت اسناد رسمی لازم‌الاجرا می‌باشد.

۲- با عنایت به ذکر عبارت «مصارف شهری»، از مصادیق انواع مصارف آب مشمول ماده «۳۳» قانون توزیع عادلانه آب و واژه «آب شرب» در ماده «۳» آیین‌نامه موضوع تبصره «۳۴» قانون توزیع عادلانه آب که مقرر می‌دارد «آخرین روز مهلت با توجه به بعد مسافت و اوضاع و احوال محلی، باید طوری تعیین شود که فاصله زمانی بین تاریخ وصول صورتحساب و آخرین روز مهلت برای «آب شرب»، صنعت و کشاورزی کمتر از یک ماه نباشد»، مبین این مطلب است که حق قطع آب در صورت عدم پرداخت آب بها مشمول مصارف شهری و خانگی نیز می‌باشد. شایان ذکر است با تصویب قانون توزیع عادلانه آب در سال ۱۳۱۳ ۶۱ ماده ۵۳ قانون آب و نحوه ملی شدن آن به صورت ضمنی نسخ گردیده و در حال حاضر قابل استناد نمی‌باشد.

۳- به موجب ماده «۱۵» قانون تشکیل شرکت‌های آب و فاضلاب، «داشتن انشعاب آب و فاضلاب لازم و ملزوم یکدیگرند و کلیه مالکان املاک واقع در محدوده طرح جمع‌آوری و دفع فاضلاب مکلفند ظرف مدتی که دستگاه‌ها و شرکت‌های آب و فاضلاب اخطار یا اعلان می‌نمایند تقاضای نصب انشعاب فاضلاب ملک خود را به مرجع مربوط تسلیم و هزینه آن را پرداخت نمایند والا شرکت‌های آب و فاضلاب مجاز به قطع آب این گونه املاک خواهند بود. برقراری مجدد آب موکول به درخواست نصب انشعاب فاضلاب و پرداخت هزینه آن می‌باشد.»

۴- بر اساس ماده «۳۳» قانون توزیع عادلانه آب و ماده «۹» قانون تشکیل شرکت‌های آب و فاضلاب ۱۳۶۹/۱۰/۱۱، نرخ آب برای مصارف شهری و غیره پس از تصویب شورای اقتصاد وصول می‌گردد و بر اساس جدول شماره ۵ ضمیمه مصوبه شماره ۳۰۹/۱۵۰۰۸۸ - ۳۰۹/۹/۸ (تنفیذ شده در مصوبه شماره ۱۲۳۷۹۶ - ۱۳۹۳/۱۰/۱۵ آن شورا)، «حق انشعاب» متقاضیان انشعاب آب و فاضلاب خانگی به ازای «هر واحد» تعیین و ابلاغ شده است.

۵ - به موجب ماده «۱» مصوبه شماره ۱۴۴۹۷۵ - ۱۳۹۴/۷/۵ شورای اقتصاد، محاسبه آبهای مشترکین نیز بر اساس هر واحد صورت می‌گیرد و در محاسبه «آب بهای» یک انشعاب که چندین واحد مسکونی در آن ساکن می‌باشند، ابتدا «متوسط مصرف ماهانه یک واحد» (حاصل تقسیم مصرف کل انشعاب بر تعداد واحدهای مستقر در آپارتمان) محاسبه می‌شود،

۲- کانون انجمن‌های صنفی فرهنگ و هنر و رسانه، از اجتماع نمایندگان حداقل پنج انجمن صنفی سراسری همگن تشکیل می‌شود.

۳- کانون فراگیر سراسری انجمن‌های صنفی فرهنگ و هنر و رسانه، متشکل از حداقل (۱۲) نماینده کانون‌های انجمن‌های صنفی مربوط خواهد بود.

۴- در صورت بروز اختلاف نظر در ثبت انجمن‌های صنفی بخش فرهنگ، هنر و رسانه و تشخیص شمول یا عدم شمول متقاضیان، کمیسیونی با ترکیب زیر تا زمان تشکیل کانون فراگیر سراسری انجمن‌های صنفی فرهنگ و هنر و رسانه تشکیل می‌شود:

الف - نماینده وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ب - نماینده وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

پ - هفت نفر از نمایندگان تشکلهای و انجمن‌های فرهنگی و هنری و رسانه‌ای که توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و پس از مشورت با نمایندگان تشکلهای بخش فرهنگ و هنر و رسانه انتخاب می‌شوند.

۵ - دبیرخانه کمیسیون موضوع بند (۴) این تصویب‌نامه تا زمان تشکیل کانون فراگیر سراسری، در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (بدون افزایش ساختار و نیروی انسانی فعلی) تشکیل می‌شود.

۶ - کمیسیون موضوع بند (۴) این تصویب‌نامه موظف است ظرف دو سال، شرایط لازم برای تغییر و انطباق وضعیت تشکلهای صنفی و حرفه‌ای و فرهنگی و هنری و رسانه‌ای موجود را که براساس قوانین و مقررات مختلف به ثبت رسیده‌اند با ضوابط موضوع بند (۷) این تصویب‌نامه فراهم کند.

۷- دستورالعمل چگونگی تشکیل جلسات، تصمیم‌گیری، ابلاغ مصوبات و سایر امور مربوط به کمیسیون موضوع بند (۴) این تصویب‌نامه و همچنین ضوابط مربوط به نحوه تأسیس، چگونگی نظارت و نحوه فعالیت تشکلهای موضوع این تصویب‌نامه (اعم از کانون‌ها، خانه‌ها و انجمن‌ها) و تأسیس کانون فراگیر سراسری و تعریف و تشخیص مفاهیم مندرج در این تصویب‌نامه پس از تصویب در کمیسیون موضوع بند (۴) این تصویب‌نامه، با امضای وزیران فرهنگ و ارشاد اسلامی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی ابلاغ می‌شود.

معاون اول رئیس‌جمهور - اسحاق جهانگیری

شماره ۵۵۷۴/۱۰۵۵۷۴/ت/۵۳۹۶۹هـ

وزارت صنعت، معدن و تجارت - وزارت امور اقتصادی و دارایی

سازمان برنامه و بودجه و کشور

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۸/۸/۱۹ به پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت و به‌استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه نحوه ثبت بین‌المللی و درج شناسه (کد) اسامی مبدا محصولات و کالاهای صادراتی در سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) را به شرح زیر تصویب کرد:

آیین‌نامه نحوه ثبت بین‌المللی و درج شناسه (کد) اسامی مبدا

محصولات و کالاهای صادراتی در سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO)

ماده ۱- در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

۱- اسم مبدا: اسم جغرافیایی کشور، منطقه یا محلی که محصول نشأت گرفته از آنجا و کیفیت و مشخصات آن منحصراً یا اساساً بخاطر محیط جغرافیایی از جمله عوامل طبیعی و انسانی است.

۲- سازمان: سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO)

۳- کالا یا محصول: هرگونه کالای طبیعی و کشاورزی و یا فرآورده‌های آن یا صنایع دستی و تولیدات صنعتی و معدنی منتسب به منطقه جغرافیایی خاص که دارای ارزش صادراتی است.

۴- اظهارنامه لیسبون: تقاضانامه‌ای که پس از ثبت ملی محصول، تکمیل و به سازمان ارسال می‌گردد.

۵ - شناسه یکتا جهانی: مجموعه‌ای از اعداد که مشخصات منحصر به فرد کالا یا محصول، مبدا تولید و تولیدکننده در آن ثبت شده و قابلیت شناسایی و رهگیری در سراسر جهان را دارد.

ماده ۲- وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است با همکاری سایر دستگاه‌های ذی‌ربط نسبت به شناسایی کالا یا محصول با قابلیت ثبت بین‌المللی اقدام و حمایت‌های لازم را به منظور ثبت بین‌المللی آنها به عمل آورد.

ماده ۳- وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است نسبت به تولید شناسه یکتا جهانی که شماره ثبت بین‌المللی کالا توسط سازمان در ذیل آن درج شده است، برای کالاهای و محصولات ثبت‌شده موضوع این آیین‌نامه اقدام نماید.

ماده ۴- تولیدکنندگان و صادرکنندگان موضوع این آیین‌نامه برای استفاده از مشوق‌های جدید در نظر گرفته‌شده در وزارت صنعت، معدن و تجارت و گمرک جمهوری اسلامی ایران،

شرع می‌باشد. لکن در صورتی که اعطاء حق انشعاب مقید به قیود خاص از جمله قید ذکر شده در قسمت (ب) بند مورد شکایت باشد قطع انشعاب و جمع‌آوری آن در فرض عمل نمودن به این شروط و قیود طبق قرارداد، ایراد شرعی ندارد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۹ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - نظر به اینکه قائم مقام دبیر شورای نگهبان طی نامه شماره ۹۷/۱۰۲/۶۶۱۷-۱۳۹۷/۵/۲۲ اعلام کرده است که: «موضوع بند ۴۱-۴ آیین‌نامه عملیاتی و شرایط عمومی تعرفه‌های آب و فاضلاب وزارت نیرو در خصوص حالات برچیدن دائم انشعاب آب و فاضلاب، در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۹ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که به شرح ذیل اعلام نظر می‌گردد: مستندی که بر اساس آن وزارت نیرو بتواند مفاد بند مورد شکایت را جعل نماید یافت نشد و در صورتی که اعطاء حق انشعاب به مشترکین به نحو مطلق و بدون قید و شرط باشد (که به نظر بعید می‌رسد این گونه باشد) جمع‌آوری انشعاب و منع مشترکین از استفاده نمودن از حق انشعاب در صورت تحقق قسمت (ب) بند مورد شکایت خلاف شرع می‌باشد. لکن در صورتی که اعطاء حق انشعاب مقید به قیود خاص از جمله قید ذکر شده در قسمت (ب) بند مورد شکایت باشد قطع انشعاب و جمع‌آوری آن در فرض عمل نمودن به این شروط و قیود طبق قرارداد، ایراد شرعی ندارد.» بنابراین اطلاق بند ۴۱-۴ آیین‌نامه عملیاتی و شرایط عمومی تعرفه‌های آب و فاضلاب مصوب وزارت نیرو در مواردی که در قراردادهای اعطاء انشعاب، شرایط آیین‌نامه مورد پذیرش متقاضی انشعاب قرار نگرفته، در اجرای تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ و ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

ب - با توجه به اینکه در قانون مجازات استفاده‌کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز مصوب سال ۱۳۹۶، قطع انشعاب به نحو موقت ۳ ماه تا ۶ ماه در بند ب ماده ۱ این قانون پیش‌بینی شده است و در ماده ۳۴ قانون توزیع عادلانه آب، در صورت عدم پرداخت بهاء آب فقط قطع آب پیش‌بینی شده و نه قطع انشعاب، بنابراین جزء ب بند ۴۱-۴ آیین‌نامه عملیاتی و شرایط عمومی تعرفه‌های آب و فاضلاب مصوب وزارت نیرو به علت مغایرت با قانون مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۵۷۱۳۷/ت/۱۰۴۸۲۸هـ

۱۳۹۸/۸/۲۱

تصویب‌نامه در خصوص اضافه شدن وزیر راه و شهرسازی

به ترکیب اعضای کمیسیون اقتصاد

وزارت راه و شهرسازی - وزارت امور اقتصادی و دارایی - دفتر هیأت دولت

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۸/۸/۱۹ به پیشنهاد شماره ۱۰۱۰۴۶/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۳ وزارت راه و شهرسازی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد:

وزیر راه و شهرسازی به ترکیب اعضای کمیسیون اقتصاد موضوع بند (۱) ماده (۶) اصلاحی آیین‌نامه داخلی هیأت دولت موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۱۹۴۷/ت/۴۹۵۰۶هـ مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ و اصلاحات بعدی آن اضافه می‌شود.

معاون اول رئیس‌جمهور - اسحاق جهانگیری

شماره ۵۶۹۱۴/ت/۱۰۵۵۶۹هـ

۱۳۹۸/۸/۲۲

تصویب‌نامه در خصوص تأسیس انجمن صنفی سراسری اشخاص حقیقی پدیدآورنده

آثار فرهنگی و هنری و شاغلان بخش فرهنگ و هنر و رسانه در رشته تخصصی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۸/۸/۱۹ به پیشنهاد مشترک شماره ۱۸۰۰۳۸ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۶ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در راستای اهداف مندرج در بند (چ) ماده (۹۲) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۹۵ - و به منظور تأمین امنیت شغلی شاغلان مشاغل فرهنگی و هنری و رسانه‌ای و تسهیل فعالیت صنفی و حرفه‌ای در این حوزه، تصویب کرد:

۱- اشخاص حقیقی پدیدآورنده آثار فرهنگی و هنری و شاغلان بخش فرهنگ و هنر و رسانه می‌توانند برای تأسیس انجمن صنفی سراسری در رشته تخصصی، درخواست خود را به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارایه کنند.

مدت معین به صورت ریالی یا ارزی منتشر شود. این اوراق نظیر اوراق مشارکت، انواع صکوک اسلامی (اعم از اجاره، وکالت، منفعت و غیره) و اسناد خزانه اسلامی می‌باشد.

۱۰- دستورالعمل اجرایی: دستورالعمل اجرایی موضوع تبصره (۳) ماده (۳) این آیین‌نامه.

ماده ۲- در مواردی که دولت به موجب قوانین و مقررات، مجاز به تضمین تعهدات مدیون اصلی به ذی‌نفع تضمین می‌باشد، صرفاً سازمان مجاز است به نمایندگی از دولت کلیه تضمین‌نامه‌های مورد نیاز را صادر نماید.

تبصره ۱- در صورتی که دستگاه‌های اجرایی به موجب قوانین و مقررات، مجاز به صدور تضمین اعم از تضمین به ذی‌نفعان داخلی و خارجی می‌شوند، باید تضمین‌نامه مربوط مطابق چهارچوبی که توسط سازمان اعلام می‌شود، پیش از صدور در سامانه ثبت و شناسه یکتای تضمین دریافت نماید. همچنین دستگاه‌های اجرایی مذکور موظفند ظرف یک ماه پس از صدور، اطلاعات مربوط به تضمین‌نامه از قبیل زمان‌بندی و وضعیت بازپرداخت تعهدات مرتبط با تضمین را به صورت سامانه‌ای (سیستمی) و برخط برای سازمان ارسال نمایند. تشخیص مصدق دستگاه‌های اجرایی موضوع این تبصره به عهده سازمان است.

تبصره ۲- بانک‌ها و بیمه‌های دولتی از شمول این ماده مستثنی می‌باشند.

ماده ۳- سازمان ظرف شش ماه پس از ابلاغ این آیین‌نامه، سامانه را به گونه‌ای تهیه، اجرا و بهره‌برداری می‌نماید که کلیه فرآیندهای مرتبط با تضمین‌نامه‌های موضوع این آیین‌نامه اعم از ارسال درخواست، صدور، اصلاح، تمدید، مطالبه و پرداخت وجه، ابطال، تأیید و همچنین مبادله الکترونیکی تضمین‌نامه‌ها را حسب مورد دربر گرفته و پس از بررسی و واپایش (کنترل) ضوابط و مقررات نسبت به تخصیص شناسه یکتای تضمین اقدام نماید. همچنین امکان دریافت اطلاعات پس از صدور کلیه تضمین صادره توسط دستگاه‌های اجرایی موضوع تبصره (۱) ماده (۲) این آیین‌نامه را نیز دربرگیرد.

تبصره ۱- صدور تضمین‌نامه از طریق سامانه مذکور مشمول قانون تجارت الکترونیکی - مصوب ۱۳۸۲ - بوده و در حکم صدور برگه تضمین‌نامه است.

تبصره ۲- پس از راه‌اندازی و استقرار سامانه، صرفاً تضمین‌نامه‌های دارای شناسه یکتا از سامانه، واجد اعتبار بوده و دولت هیچ گونه تعهدی در خصوص تضمین فاقد شناسه از سامانه، بر عهده نخواهد داشت.

تبصره ۳- دستورالعمل اجرایی موضوع این ماده ظرف دو ماه پس از ابلاغ این آیین‌نامه توسط سازمان با هماهنگی بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و ابلاغ خواهد شد.

ماده ۴- متقاضی و ذی‌نفع تضمین موضوع ماده (۱) این آیین‌نامه مکلفند کلیه درخواست‌های خود شامل صدور، اصلاح، تمدید، مطالبه و پرداخت وجه و ابطال تضمین‌نامه را به نحوی که در دستورالعمل اجرایی تعیین خواهد شد، در سامانه ثبت نمایند.

ماده ۵- دستگاه‌های اجرایی مکلفند به نحوی که در دستورالعمل اجرایی تعیین خواهد شد، امکان استعلام سامانه‌ای (سیستمی) و برخط اطلاعات با کیفیت و کفایت لازم به تشخیص سازمان برای سامانه فراهم نمایند.

تبصره ۱- وزارت امور اقتصادی و دارایی و شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه موظفند امکان استعلام سامانه‌ای (سیستمی) و برخط اطلاعات انتشار و وضعیت اوراق مالی اسلامی تضمین‌شده را با کیفیت و کفایت لازم به تشخیص سازمان برای سامانه فراهم نمایند.

تبصره ۲- بانک مرکزی ظرف یک ماه پس از ابلاغ این آیین‌نامه امکان استعلام سامانه‌ای (سیستمی) و برخط وضعیت تسهیلات و تعهدات تضمین شده توسط دولت را مطابق روش مورد توافق آن بانک و سازمان برای سامانه فراهم می‌نماید.

تبصره ۳- اطلاعات تسهیلات و تعهدات بانکی استعلام شده از سامانه‌های مرتبط بانک مرکزی که توسط سازمان در اختیار وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار می‌گیرد، پس از تأیید سازمان حسابرسی در اجرای تبصره (۲) ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی ماده (۱) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور موضوع تصویب‌نامه شماره ۶۱۲۴۰/ت۶۱۲۳۰ هـ مورخ ۱۳۹۴/۵/۱۷، ملاک تأیید و تسویه بدهی دولت ناشی از تضمین موضوع این آیین‌نامه به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خواهد بود.

ماده ۶- سازمان مکلف است، امکان استعلام سامانه‌ای (سیستمی) و برخط وضعیت تضمین‌نامه‌های صادره توسط سامانه را برای متقاضی، ذی‌نفعان تضمین و وزارت امور اقتصادی و دارایی فراهم نماید. صحت اطلاعات مندرج در تضمین‌نامه و اصلاحیه‌های آن صرفاً از طریق سامانه قابل استعلام است.

تبصره ۱- بانک مرکزی و کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی موظفند پیش از اعطای تسهیلات و یا ایجاد تعهدات به پشتوانه تضمین‌نامه‌های موضوع این آیین‌نامه، از صحت مندرجات تضمین‌نامه به وسیله استعلام آن از سامانه از طریق سامانه‌های مرتبط بانک مرکزی اطمینان حاصل نمایند.

تبصره ۲- بانک مرکزی موظف است همزمان با صدور شناسه تسهیلات و تعهدات در سامانه‌های خود از صحت و اصالت تضمین‌نامه با استعلام سامانه‌ای (سیستمی) شناسه تضمین‌نامه از سامانه اطمینان حاصل نماید.

می‌توانند نسبت به اخذ شناسه یکتا جهانی از وزارت یادشده، اقدام و آن را بر روی بسته‌های خرده‌فروشی، جعبه کاغذی (کارتن) و جعبه چوبی (پالت) حسب مورد درج نمایند.

تبصره - وزارت صنعت، معدن و تجارت جهت تسهیل عضویت تولیدکنندگان و صادرکنندگان در سیستم شناسه یکتا جهانی موظف به ارائه خدمات غیرحضوری و برخط در سراسر کشور می‌باشد.

ماده ۵- گمرک جمهوری اسلامی ایران به منظور حمایت از محصولات و کالاهای ایرانی که شناسه یکتا جهانی و ثبت بین‌المللی را بر روی محصولات خود درج نموده‌اند، سازوکارهای تشویقی نظیر انتخاب مسیر ارزیابی کالا را برای صادرات اعمال می‌نماید.

ماده ۶- وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است به منظور حمایت از محصولات و کالاهای ایرانی که شناسه یکتا جهانی و ثبت بین‌المللی را بر روی محصولات خود درج نموده‌اند، صادرکنندگان موضوع این آیین‌نامه را در استفاده از سازوکارهای تشویقی نظیر جوایز صادراتی، کمک هزینه بازاریابی و تبلیغات و شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی، در اولویت قرار دهد.

ماده ۷- وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است قبل از صدور شناسه یکتا جهانی نسبت به اخذ تأییدیه اصالت مبدا کالا یا محصول ثبت‌شده در سازمان، از دستگاه ذی‌ربط محل تولید کالا یا محصول اقدام نماید.

ماده ۸- دستگاه ذی‌ربط مکلف است پس از ارائه تأییدیه به متقاضیان جهت دریافت شناسه یکتا جهانی، نسبت به پایش و نظارت مستمر بر کیفیت و کمیت فرایند صادرات کالا یا محصول اقدام لازم را به عمل آورد.

ماده ۹- این آیین‌نامه شامل محصولات و کالاهای ایرانی که در سازمان ثبت شده است، می‌باشد.

ماده ۱۰- سازمان برنامه و بودجه کشور مکلف است هر ساله اعتبارات مورد نیاز اجرای این آیین‌نامه را بر اساس پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت در ردیف‌های بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید.

ماده ۱۱- این آیین‌نامه برای حمایت و تشویق تولید و صادرات کالاهای ایرانی به‌اجرا درمی‌آید و مقررات مربوط به آن نباید به هیچ‌وجه موجب انحصار یا محدودیت در صادرات گردد.

معاون اول رئیس‌جمهور - اسحاق جهانگیری

شماره ۵۶۴/۱۰/۵۵۶۴-ت/۵۶۴

۱۳۹۸/۸/۲۲

وزارت کشور - وزارت امور اقتصادی و دارایی

سازمان برنامه و بودجه کشور - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۸/۸/۸ به پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آیین‌نامه نحوه صدور تضمین‌نامه‌های عهده دولت جمهوری اسلامی ایران را به شرح زیر تصویب کرد:

آیین‌نامه نحوه صدور تضمین‌نامه‌های عهده دولت جمهوری اسلامی ایران

ماده ۱- در این آیین‌نامه، اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

۱- دستگاه اجرایی: دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۱) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۹۵ - .

۲- تضمین‌نامه: سندی تعهدآور که به موجب آن دولت یا دستگاه‌های اجرایی در چهارچوب قوانین و مقررات، ضمانت اشخاص حقیقی و حقوقی را در ارتباط با انجام تکالیف و تعهدات مدیون اصلی در برابر ذی‌نفع تضمین، طبق شرایط مندرج در تضمین‌نامه به‌عهده می‌گیرد.

۳- ذی‌نفع تضمین: منظور از ذی‌نفع تضمین (مضمون‌له) کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی است که تضمین‌نامه به نفع وی صادر می‌شود از جمله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، بانک‌های اعتباردهنده خارجی، بانک‌ها و مؤسسات بین‌المللی و سایر اشخاصی که به موجب قانون صدور و تحویل تضمین‌نامه به ایشان مجاز است.

۴- سازمان: سازمان برنامه و بودجه کشور (ضامن) که به نمایندگی از دولت تضمین‌نامه‌های مورد نیاز را صادر می‌نماید.

۵ - متقاضی: اشخاصی که حسب قانون مجاز به درخواست صدور تضمین‌نامه برای خود یا یکی از دستگاه‌های تابع خود و یا سایر اشخاص به موجب قوانین و مقررات می‌باشند.

۶ - مدیون اصلی: منظور از مدیون اصلی (مضمون‌عنه) شخصی است که از او ضمانت شده و شامل دستگاه‌های اجرایی و اشخاص غیردولتی که به موجب قانون، دولت مجاز به تضمین ایفای تعهدات وی در قبال ذی‌نفع است.

۷- سامانه: سامانه جامع مدیریت تضمین دولت موضوع ماده (۳) این آیین‌نامه.

۸ - بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۹- اوراق مالی اسلامی: هر نوع ورقه که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین و یا منفعت باشد و به موجب قانون و مقررات مربوط به قیمت اسمی مشخص برای

تبصره ۲- در مواردی که ذی‌نفع تضمین اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی می‌باشند، وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران) مکلف است به نمایندگی از ذی‌نفع، درخواست مذکور را در سامانه ثبت نماید.

تبصره ۳- در صورتی که درخواست مطالبه و پرداخت وجه در سامانه ثبت گردد و در حین فرآیند بررسی درخواست توسط سازمان تاریخ اعتبار تضمین‌نامه صادره منقضی شود، درخواست مربوط کماکان معتبر بوده و سازمان باید مطابق با بررسی‌های انجام شده اقدام نماید.

ماده ۱۵- پس از استقرار و راه‌اندازی سامانه، اطلاعات موجود در سامانه تنها مرجع مورد استناد در خصوص بدهی‌های ناشی از تضمین خواهد بود. وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان حسابرسی (حسب مورد) مکلفند کلیه اطلاعات تضمین‌نامه‌های صادره و بدهی‌های ناشی از آن را از سامانه استعلام و این اطلاعات را ملاک عمل قرار دهند.

ماده ۱۶- دستگاه‌های اجرایی مکلفند قبل از ارسال درخواست صدور تضمین‌نامه به سازمان براساس قوانین و مقررات مربوط، مانده بدهی‌ها و مطالبات به‌از کلیه اشخاص را براساس الزامات و تکالیف مقرر در ماده (۱) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و آیین‌نامه اجرایی آن و بخشنامه‌های صادره مربوط به وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام نمایند.

تبصره - وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است ظرف یک ماه پس از ابلاغ این آیین‌نامه، امکان استعلام برخط و سامانه‌ای (سیستمی) اطلاعات موضوع این ماده را برای سامانه فراهم سازد.

ماده ۱۷- چنانچه تعهدات ناشی از تضمین‌نامه‌های صادره توسط سامانه (شامل اصل، سود و سایر موارد مربوط)، قطعی گردد و دولت مکلف به پرداخت تعهدات ناشی از تضمین‌نامه شود، وزارت امور اقتصادی و دارایی (مرکز مدیریت بدهی‌ها و دارایی‌های مالی عمومی) مکلف است پس از تأیید مبلغ بدهی توسط سازمان حسابرسی، نسبت به تعیین دستگاه اجرایی مسئول اعمال حساب اقدام و در غیراین صورت بدهی مربوط را بر اساس مقررات مربوط ثبت نماید.

تبصره - دستگاه‌های اجرایی مکلفند از طریق ادارات کل امور مالی/ ذی‌حسابی دستگاه‌های ذی‌ربط نسبت به ثبت تضمین‌نامه‌های صادره اقدام نمایند.

ماده ۱۸- سازمان موظف است نسبت به پیش‌بینی هزینه‌های تعهدات ناشی از تضمین‌نامه‌های ثبت شده در سامانه در لویح بودجه سنواتی اقدام نماید.

ماده ۱۹- سازمان خصوصی‌سازی مکلف است فرآیند واگذاری شرکت‌های دولتی که بدهی آنها توسط دولت تضمین شده است، ضمن هماهنگی با سازمان و ذی‌نفع تضمین، بدهی‌ها و انتقال یا عدم انتقال آنها و ضمانت دولت را با رعایت موازین قانونی مربوط تعیین تکلیف نماید.

ماده ۲۰- صدور تضمین‌نامه منوط به بررسی وضعیت اعتباری مدیون اصلی بر اساس گزارش اعتباری شرکت اعتبارسنجی موضوع بند (د) ماده (۱) آیین‌نامه نظام سنجش اعتبار موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۹۱۵۱/ت/۵۵۲۹۶ هـ مورخ ۱۳۹۸/۴/۴ یا رتبه‌بندی اعتباری از مؤسسات موضوع بند (۲۱) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۴- می‌باشد.

تبصره ۱- دستورالعمل نحوه بررسی وضعیت اعتباری مدیون اصلی با استفاده از گزارش اعتباری یا رتبه‌بندی اعتباری موضوع این ماده توسط سازمان و با همکاری بانک مرکزی تهیه و ابلاغ خواهد شد.

تبصره ۲- کلیه شرکت‌های موضوع این ماده موظفند بر اساس دستورالعمل تبصره فوق همکاری‌های لازم را با سازمان به عمل آورند.

معاون اول رئیس‌جمهور - اسحاق جهانگیری

۱۳۹۸/۸/۲۲

شماره ۱۰۵۵۷۶/ت/۵۴۹۲۹ هـ

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۸/۸/۸ به پیشنهاد شماره ۲۶۷۲۹/۰/۹۶۲۱۰ مورخ ۱۳۹۶/۸/۱۰

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای مواد (۲۹) و (۳۰) آیین‌نامه مدیریت، ساماندهی، نظارت و حمایت از مالکان و دارندگان اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۳۵۴۲/ت/۲۸۵۸۴ هـ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۰ و اصلاحات بعدی آن، دستورالعمل اجرایی تجارت اموال فرهنگی - تاریخی و هنری منقول مجاز را به شرح زیر تصویب کرد:

دستورالعمل اجرایی تجارت اموال فرهنگی - تاریخی و هنری منقول مجاز

ماده ۱- در این دستورالعمل، اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

۱- وزارت: وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.

۲- آیین‌نامه: آیین‌نامه مدیریت، ساماندهی، نظارت و حمایت از مالکان و دارندگان اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز و اصلاحات بعدی آن.

۳- اموال فرهنگی - تاریخی و هنری غیرمجاز: اموال حاصل از کوش غیرمجاز، اموال تقلبی یا اموال جعلی اعم از تلفیقی یا غیرتلفیقی، کلیه عناصر تزئینی وابسته

ماده ۷- کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی موظفند ظرف سه ماه پس از ابلاغ دستورالعمل اجرایی، کلیه اطلاعات و سوابق تسهیلات و تعهداتی را که به پشتوانه تضمین‌نامه‌های دولت پیش از ابلاغ این آیین‌نامه اعطا نموده‌اند، به همراه اطلاعات تضمین‌نامه‌های مربوط، در چهارچوب توافق سازمان با بانک مرکزی از طریق سامانه متمرکز اطلاعات تسهیلات و تعهدات (سمات)، موضوع ماده (۳۵) آیین‌نامه پیشگیری از انباشت مطالبات غیرجاری بانکی موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۷۶۸۱۸/ت/۵۵۶۱۷۳ هـ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ برای سامانه ارسال نمایند.

تبصره ۱- دولت هیچ‌گونه تعهدی درخصوص تسهیلات و تعهداتی که ظرف مدت تعیین شده و مطابق با شرایط مذکور در این ماده برای سازمان ارسال نشود، بر عهده نخواهد داشت.

تبصره ۲- سازمان، اطلاعات تسهیلات و تعهدات دریافتی موضوع این ماده را در اختیار سازمان حسابرسی قرار داده و سازمان حسابرسی ظرف سه ماه پس از دریافت اطلاعات مذکور آن را بررسی و نسبت به ثبت نتیجه در سامانه اقدام می‌نماید. سازمان تنها اطلاعات مورد تأیید سازمان حسابرسی را ملاک تسویه خود قرار می‌دهد.

ماده ۸ - بانک مرکزی موظف است ظرف سه ماه پس از ابلاغ دستورالعمل اجرایی، کلیه اطلاعات و سوابق تسهیلات و تعهداتی را که به پشتوانه تضمین‌نامه‌های دولت به ذی‌نفعی بانک مرکزی پیش از ابلاغ این آیین‌نامه اعطا نموده است، به همراه اطلاعات تضمین‌نامه‌های مربوط مطابق با چهارچوب اعلامی سازمان برای سامانه ارسال نمایند.

ماده ۹- تضمین‌نامه‌های صادره حداقل باید حاوی اطلاعات مربوط نظیر نام ذی‌نفع تضمین، نام مدیون اصلی، استناد قانونی، موضوع تضمین، سقف مبلغ بدهی مورد تضمین، تاریخ سررسید بدهی، تاریخ اعتبار تضمین‌نامه و زمان‌بندی بازپرداخت، حسب مورد باشد. سایر اطلاعات به تشخیص سازمان خواهد بود.

ماده ۱۰- متقاضی مکلف است در صورت نیاز تا سه ماه قبل از انقضای تاریخ اعتبار تضمین‌نامه، درخواست تمدید/اصلاح/ابطال تضمین‌نامه را در سامانه ثبت نماید.

تبصره - سازمان حسب مورد نسبت به تمدید/اصلاح/ابطال تضمین‌نامه موضوع درخواست این ماده، مطابق قوانین و مقررات اقدام نموده و مراتب را به صورت سامانه‌ای (سیستمی) از طریق سامانه به ذی‌نفع تضمین و متقاضی اعلام می‌نماید. تضمین‌نامه‌هایی که تعیین تکلیف نشده‌اند و سایر تضمین‌نامه‌هایی که تا قبل از تاریخ این آیین‌نامه صادر شده‌اند و فاقد تاریخ اعتبار مشخص می‌باشند، تا زمان تسویه کامل بدهی معتبر خواهند بود.

ماده ۱۱- ذی‌نفع تضمین به نیابت از دولت مکلف است در چهارچوب قوانین و مقررات، نسبت به پیگیری وصول مبالغ از متقاضی اقدام نماید.

تبصره ۱- در صورتی که اموال و املاکی بعد از انتقال بدهی بر ذمه دولت، توسط ذی‌نفع تضمین داخلی تملک شود، متعلق به دولت بوده و مدیریت آن به وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی) منتقل می‌شود. جبران هزینه‌های ذی‌نفع تضمین داخلی برای تملک این اموال از محل فروش اموال تملک شده با اعلام ذی‌نفع تضمین و تأیید وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی)، توسط سازمان در لویح بودجه سنواتی پیش‌بینی و پرداخت می‌شود.

تبصره ۲- حسابرس مستقل و بازرسان قانونی ذی‌نفع تضمین داخلی، اعم از سازمان حسابرسی و یا مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی موظفند بر حسن اجرای این ماده نظارت و حسب مورد در گزارش حسابرسی مربوط این موضوع را افشا نمایند.

ماده ۱۲- ملاک انتقال بدهی‌های شرکت‌های دولتی به حساب بدهی دولت موضوع ماده (۶) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور - مصوب ۱۳۹۴-، تضمین‌نامه‌های موضوع این آیین‌نامه می‌باشد.

ماده ۱۳- صدور تضمین‌نامه جدید در سامانه برای هر متقاضی منوط به تعیین تکلیف تضامین قبلی و اعلام وضعیت آنان توسط متقاضی می‌باشد.

تبصره ۱- دستگاه‌های اجرایی که تضمین به درخواست آنها صادر شده است موظفند مطابق این آیین‌نامه و دستورالعمل اجرایی مربوط، نسبت به انجام به موقع تعهدات خود اقدام نمایند. مسئولیت اجرای این تبصره به عهده بالاترین مقام اجرایی دستگاه می‌باشد.

تبصره ۲- در صورتی که بازپرداخت اقساط تضمین شده برای سه دوره متوالی پرداخت نشده باشد یا بیش از یکسال از سررسید اقساط پرداخت‌نشده گذشته باشد (هر کدام که کمتر باشد) با درخواست ذی‌نفع تضمین و تأیید سازمان در سامانه، از محل سرجمع منابع بودجه (براساس حکم قانون) یا از محل کاهش سقف تخصیص بعدی دستگاه اجرایی متقاضی متناسب با تعهدات ایفا نشده، سازمان رأساً اقدام به بازپرداخت بدهی سررسید شده می‌نماید.

ماده ۱۴- پس از انقضای تاریخ سررسید بدهی، در صورتی که تاریخ اعتبار تضمین‌نامه صادره منقضی نشده باشد و پرداخت بدهی توسط مدیون اصلی خودداری شود، ذی‌نفع تضمین مکلف است درخواست مطالبه و پرداخت وجه را در سامانه ثبت نماید.

تبصره ۱- سازمان نسبت به بررسی درخواست مطالبه و پرداخت وجه اقدام نموده و پس از تأیید آن با لحاظ تبصره (۲) ماده (۱۳) این آیین‌نامه نسبت به پیش‌بینی آن در لویح بودجه سنواتی اقدام نماید.

به‌بناهای تاریخی و عناصر حاصل از تجزیه و تفکیک بناهای تاریخی و هنری و محوطه‌های باستان‌شناسی، آثار سرقت‌شده از موزه‌ها و مجموعه‌های داخلی و خارجی.

منظور از اشیای تقلبی یا جعلی، اشیایی است که در دوره معاصر ساخته شده و از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی - تاریخی اصیل باشد یا بدون آن که نمونه اصلی وجود داشته باشد، به عنوان اثر فرهنگی - تاریخی اصیل معرفی شود و علامتی از سوی سازنده یا وزارت برای تشخیص از اصل بر روی آن حک نشده باشد.

منظور از اشیای تقلبی - تلفیقی، اشیایی است که از تلفیق و ترکیب شیء اصلی و تقلبی به یکی از شکل‌های زیر ساخته شده و اصالت شیء مخدوش شده باشد:

الف - شیء تلفیقی از دو یا چند جزء اشیای اصیل مربوط به یک دوره یا دوره‌های متفاوت باشد.

ب - بخشی از شیء اصلی بوده و بخش‌های دیگر آن با سوء نیت بازسازی شده باشد.
پ - شیء اصلی بوده، تزیینات یا الحاقاتی از روی عمد به آن اضافه شده و اصالت شیء را مخدوش کرده باشد.

۴- مجموعه‌دار: شخص حقیقی یا حقوقی که بدون قصد تجارت نسبت به گردآوری و نگهداری اموال فرهنگی - تاریخی و هنری مجاز اقدام و از وزارت پروانه مجموعه‌داری دریافت کرده است.

۵ - پروانه اشتغال به تجارت: مجوزی که طبق ضوابط این دستورالعمل به منظور تجارت اموال فرهنگی - تاریخی و هنری منقول مجاز موضوع این دستورالعمل، با امضای وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی یا نماینده مجاز وی، برای مدت معین برای شخص واجد شرایط صادر می‌شود.

۶ - واحد فروش: واحد انتفاعی دارای پروانه کسب از اتحادیه که با اخذ پروانه اشتغال به تجارت در مکان ثابت یا از طریق برخط (تجارت الکترونیک)، دایر و اقدام به خرید و فروش اموال موضوع این دستورالعمل می‌کند.

۷- نمایشگاه موقت یا دائمی: فضایی که برای نمایش و عرضه آثار فرهنگی - تاریخی و هنری منقول مجاز موضوع این دستورالعمل، توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی به صورت دائم یا موقت در مکان مشخص یا به صورت برخط (تجارت الکترونیک) با مجوز وزارت ایجاد می‌شود.

۸ - پروانه حراج: پروانه‌ای که در چهارچوب بند (۵) این ماده به صورت موردی و فصلی یا دوره‌ای برای حراج اموال موضوع این دستورالعمل به شرکت‌های موضوع قانون تجارت داده می‌شود.

ماده ۲- اشتغال به تجارت اموال فرهنگی - تاریخی و هنری غیرمجاز ممنوع است.

ماده ۳- خرید و فروش اموال و آثار هنری موضوع بند (د) ماده (۱) آیین‌نامه اموال فرهنگی، هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۰۴۴۶ت/۵۲۱۴ت-مخ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۴ و اصلاحات بعدی آن پس از ثبت در سامانه وزارت در داخل کشور مجاز است.

ماده ۴- خرید، فروش و نگهداری اموال فرهنگی - تاریخی و هنری منقول مجاز متعلق به تمدن ایرانی و غیرایرانی که با رعایت قوانین کشور مبدأ و کشور محل تحصیل مال، خارج از ایران خریداری و با رعایت قوانین و مقررات گمرکی ایران به کشور وارد شود، تابع ضوابط زیر خواهد بود:

۱- دارندگان این‌گونه اموال ظرف یک ماه از تاریخ ورود اموال به ایران باید موضوع را به صورت کتبی به اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اعلام کنند تا برابر مقررات نسبت به صدور پروانه دارندگی مال برای ایشان اقدام شود.

۲- مالکان و دارندگان این قبیل اموال که اموال خود را پیش از تصویب و ابلاغ این دستورالعمل به صورت قانونی به کشور وارد کرده‌اند، ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این دستورالعمل فرصت دارند نسبت به انجام موارد مذکور در بند (۱) این ماده اقدام کنند.

ماده ۵- خرید و فروش اموال منقول مجازی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند، با کسب مجوز از وزارت در داخل کشور مجاز و خروج آنها از کشور ممنوع است.

ماده ۶- خرید و فروش آن دسته از اموال فرهنگی - تاریخی منقول که در فهرست آثار ملی ایران ثبت نشده‌اند و به سبب قانونی در تصرف و مالکیت اشخاص هستند، با کسب اجازه موردی از وزارت مجاز است.

ماده ۷- با توجه به ممنوعیت خرید و فروش اموال فرهنگی - تاریخی و هنری منقول مجاز توسط مجموعه‌داران، چنانچه مجموعه‌داری در شرایط خاص قصد فروش تمام یا بخشی از اموال مجموعه خود را داشته باشد، مطابق با مفاد این دستورالعمل و با مجوز وزارت می‌تواند نسبت به فروش اموال مجموعه خود اقدام کند.

ماده ۸- صدور مجوز حراج و فروش آثار هنری تجسمی شامل نقاشی، ارتباط تصویری، عکاسی و مجسمه‌سازی که از زمان تولید آنها بیش از صد سال گذشته باشد، با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. حکم این ماده شامل حراج و فروش آثار و نفایس ملی نیست.

ماده ۹- هر شخص با دارا بودن شرایط زیر می‌تواند متقاضی دریافت پروانه اشتغال به تجارت باشد:

۱- اشخاص حقیقی:

الف - داشتن تابعیت ایرانی.

ب - نداشتن سوء‌پیشینه کیفری مؤثر و عدم محکومیت قطعی در جرایم علیه میراث فرهنگی.

پ - برگه پایان خدمت یا معافیت دائم برای آقایان.

ت - داشتن اهلیت حرفه‌ای و مجوزهای لازم از مراجع ذیصلاح طبق مفاد این دستورالعمل.

تبصره - اشخاصی که به اتهام ارتکاب جرم علیه میراث فرهنگی تحت تعقیب قضایی هستند، تا صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت نمی‌توانند متقاضی پروانه موضوع این ماده باشند.

۲- اشخاص حقوقی:

الف - داشتن تابعیت ایرانی.

ب - رایبه اصل آگهی تأسیس یا ثبت شرکت یا مؤسسه در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

پ - رایبه اساسنامه شرکت که در آن فعالیت‌های موضوع این دستورالعمل مورد تصریح قرار گرفته باشد.

ماده ۱۰- متقاضی پروانه اشتغال به تجارت برای واحد فروش علاوه بر شرایط مندرج در ماده (۹) باید به تشخیص کارگروه موضوع ماده (۱۸) این دستورالعمل دارای مکانی با کاربری غیرمسکونی اعم از ملکی یا استیجاری، دارای نور مناسب، فاقد رطوبت و دارای تجهیزات ایمنی و حفاظتی و مساحت مناسب (متناسب با آثار عرضه‌شده) باشد.

تبصره - در صورت استیجاری بودن مکان فروش، باید در زمان درخواست پروانه حداقل یک سال از مدت اجاره آن باقی باشد.

ماده ۱۱- اشخاص متقاضی پروانه اشتغال به تجارت برای مجوز نمایشگاه دائم یا موقت موضوع این دستورالعمل، علاوه بر شرایط مندرج در ماده (۹)، باید دارای فضاهای نمایشگاهی، اداری و خدماتی مناسب برای نمایشگاه باشند که به تشخیص کارگروه موضوع ماده (۱۸) این آیین‌نامه باید فاقد رطوبت، دارای نور و دارای تجهیزات ایمنی مناسب جهت اعلام و اطفای حریق و تجهیزات حفاظت الکترونیک مناسب باشد.

تبصره ۱- در صورت استیجاری بودن مکان، باید در زمان درخواست پروانه اشتغال به تجارت حداقل دو سال از مدت اجاره آن باقی باشد.

تبصره ۲- متصدیان نمایشگاه‌های موضوع این دستورالعمل، پس از اخذ پروانه اشتغال به تجارت موظفند نام و نشانی کامل، شماره تلفن و نامبر، آدرس اینترنتی و نوع فعالیت و شماره مجوز صادرشده از سوی وزارت را در تابلوی نمایشگاه، سربرگ‌ها و مکاتبات خود درج کنند.

ماده ۱۲- متقاضی پروانه اشتغال به تجارت باید فردی را به عنوان مدیر فنی نمایشگاه دائم به وزارت معرفی کند. مدیر فنی باید دارای تحصیلات دانشگاهی حداقل مقطع کارشناسی با پنج سال سابقه کار مفید در رشته‌های مرتبط با حوزه میراث فرهنگی باشد.

تبصره ۱- در صورتی که شخص حقیقی یا مدیرعامل شخص حقوقی موضوع این ماده دارای پنج سال تجربه کار مفید در رشته‌های مرتبط و تحصیلات دانشگاهی مرتبط باشد، می‌تواند مسئولیت‌های مدیر فنی را نیز بر عهده بگیرد.

تبصره ۲- در صورتی که مدیر فنی استعفا کند یا به دلایل مختلف بیش از یک ماه در محل کار خود حاضر نشود، مدیر نمایشگاه موظف است جانشین وی را به وزارت معرفی نماید.

ماده ۱۳- شرکت‌های تجارت اموال فرهنگی - تاریخی و هنری منقول مجاز دارای پروانه حراج، موظفند اقدامات زیر را انجام دهند:

۱- راه‌اندازی پایگاه اینترنتی شرکت به‌گونه‌ای که برای عموم قابل دسترسی باشد.

۲- اعلام مشخصات کارشناسی اموال فرهنگی - تاریخی و هنری منقول مجاز موردنظر برای حراج و قیمت پایه هر یک از آنها حداقل دو ماه قبل از برگزاری هر حراج، به صورت کتبی به وزارت. وزارت ظرف یک ماه از تاریخ دریافت سوابق، اطلاعات دریافتی را بررسی و نسبت به صدور یا اعلام عدم امکان صدور مجوز برگزاری حراج، اقدام خواهد کرد.

۳- اعلام عمومی تاریخ و محل برگزاری حراج به همراه مشخصات کارشناسی و قیمت پایه هر یک از اموال موضوع حراج به نحو مقتضی از طریق پایگاه اینترنتی شرکت یا سایر وسایل ارتباط جمعی بعد از اخذ مجوز از وزارت.

۴- انتشار تمامی اطلاعات مربوط به اموال آرایه‌شده جهت شرکت در هر نوبت حراج در یک مجلد با درج تصاویر، اطلاعات تخصصی و قیمت پایه هر اثر به زبان فارسی و حداقل یک زبان دیگر تا یک ماه قبل از تاریخ حراج.

۵- تکمیل برگه (فرم) مشخصات هر یک از آثار آرایه‌شده در حراج در سه نسخه که توسط وزارت تهیه و طراحی شده است و رایبه به وزارت و فروشنده و نگهداری یک نسخه نزد خود.

۶- امضا و مهر برگه (فرم) مشخصات اثر توسط دارنده پروانه اشتغال به تجارت.

۷- تکمیل برگه (فرم) نقل و انتقالات و فروش در صورت فروش اثر و رایبه نسخه‌های مربوط به وزارت، خریدار مال و فروشنده آن.

۸- درج نام و نشانی کامل، شماره‌های تلفن و نامبر، نشانی اینترنتی، نوع فعالیت و شماره پروانه صادرشده از سوی وزارت در تابلو، سربرگ‌ها و مکاتبات خود.

ماده ۱۴- حضور و نظارت ناظر فنی وزارت در هر مرحله از برگزاری حراج ضروری است.

تبصره - پرداخت هزینه ناظر فنی از سوی برگزارکننده حراج و براساس تعرفه کانون رسمی کارشناسان دادگستری به حساب وزارت واریز خواهد شد.

ماده ۱۵- شرکت‌های تجارت اموال موظفند به منظور تضمین حسن انجام مراحل حراج براساس قراردادهای فی‌مابین، تضمین‌های مالی لازم را به مالکین و دارندگان اموال فرهنگی - تاریخی و هنری منقول مجاز که یک یا چند اثر متعلق به آنها به حراج گذاشته خواهد شد، ارایه کنند.

ماده ۱۶- کلیه اشخاص دارنده پروانه اشتغال به تجارت، تمامی معاملات صورت‌گرفته در اماکن خود را در دفاتر بازرسی که از سوی وزارت طراحی و ارایه می‌شود، ثبت خواهند کرد. اشخاص مذکور موظفند این دفاتر را پس از تکمیل در اختیار ناظران و بازرسان وزارت قرار دهند و همچنین گزارش عملکرد خود را در دوره‌های یک‌ساله به وزارت ارایه کنند.

ماده ۱۷- متقاضی مجوزهای موضوع این دستورالعمل باید تقاضا و مدارک لازم را به وزارت تسلیم کند. وزارت پرونده‌های متقاضیان را پس از تطبیق مدارک و استعلام صلاحیت آنها از مراجع ذی‌صلاح به کارگروه موضوع ماده (۱۸) این دستورالعمل ارجاع می‌کند.

تبصره - ادارات کل استانی وزارت مسئول دریافت تقاضاها و مدارک متقاضیان در استان‌ها هستند و پس از بررسی و تأیید مدارک، پرونده متقاضیان واجد شرایط را جهت اقدام به وزارت ارسال خواهند کرد.

ماده ۱۸- در اجرای مفاد این دستورالعمل، کارگروه ملی اموال فرهنگی - تاریخی و هنری منقول مجاز با وظایف و اختیارات زیر در وزارت بدون توسعه ساختاری تشکیل می‌شود:

۱- بررسی صلاحیت متقاضیان و اعلام نتیجه آن به وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.

۲- پیشنهاد و ارایه حمایت‌های فنی، کارشناسی، آموزشی و پژوهشی.

۳- بررسی و رسیدگی به گزارش‌های دریافتی از ناظرین فنی و بازرسان وزارت در خصوص نحوه فعالیت اماکن و شرکت‌های موضوع بندهای (۶)، (۷) و (۸) ماده (۱) این دستورالعمل و صحت برگزاری حراج‌ها.

۴- پیشنهاد تعلیق یا ابطال پروانه اشتغال به تجارت در صورت احراز تخلف دارندگان آنها از مقررات این دستورالعمل به وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.

ماده ۱۹- اعضای کارگروه مذکور در ماده (۱۸) این دستورالعمل عبارتند از:

۱- معاون میراث فرهنگی وزارت به عنوان رییس کارگروه.

۲- مدیرکل موزه‌ها و اموال منقول فرهنگی - تاریخی وزارت.

۳- یک نفر کارشناس مجرب در حوزه اموال فرهنگی - تاریخی و هنری به پیشنهاد معاون میراث فرهنگی و تأیید وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برای مدت دو سال.

۴- مدیرکل دفتر حقوقی و املاک وزارت یا نماینده وی به عنوان کارشناس حقوقی کارگروه.

۵- یک نفر نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به انتخاب و معرفی وزیر مربوط برای مدت دو سال.

۶- یک نفر عضو هیأت علمی دانشگاه در رشته‌های مرتبط به حوزه میراث فرهنگی به انتخاب و معرفی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری برای مدت دو سال.

۷- نماینده صنف با معرفی اتحادیه مربوط برای مدت دو سال.

۸- رییس حراست وزارتخانه.

تبصره - جلسات کارگروه با حضور دوسوم اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با رأی نصف به علاوه یک اعضای حاضر قابل اجرا است. رییس کارگروه مجاز است بر حسب نیاز، کارشناسانی را بدون حق رأی برای شرکت در جلسات کارگروه دعوت کند.

ماده ۲۰- کارگروه مذکور در ماده (۱۸) به روش‌های زیر بر اماکن و شرکت‌های موضوع بندهای (۶)، (۷) و (۸) ماده (۱) این دستورالعمل نظارت خواهد داشت:

۱- دریافت مدارک و مستندات مربوط به کلیه معاملات و حراج‌ها اعم از برگه (فرم)‌های تکمیلی مربوط به مشخصات اموال و اطراف معاملات و حراج‌ها، تصویر شناسنامه‌های صادرشده برای اموال فروخته‌شده و گزارش عملکرد اماکن موضوع این دستورالعمل.

۲- تعیین بازرس وزارت و بررسی گزارش‌های مربوط به بازرسی‌های ادواری موضوع این دستورالعمل.

۳- تعیین ناظر فنی وزارت به منظور نظارت بر تمامی حراج‌ها، دریافت و بررسی گزارش‌های عملکرد ناظر فنی پس از هر حراج.

تبصره - در موارد خاص، کارگروه می‌تواند موضوع بازرسی از فعالیت‌های موضوع این دستورالعمل را به بازرسین و کارشناسان منتخب خود ارجاع دهد.

ماده ۲۱- به منظور تحقق موضوع تبصره ماده (۱۷) این دستورالعمل، کارگروه‌های استانی اموال فرهنگی - تاریخی و هنری منقول مجاز با ترکیب زیر در ادارات کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان‌ها تشکیل می‌شوند:

۱- مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان به عنوان رییس کارگروه.

۲- معاون میراث فرهنگی اداره کل استان.

۳- یک نفر کارشناس مجرب در حوزه اموال منقول فرهنگی - تاریخی و هنری به پیشنهاد معاون میراث فرهنگی وزارت و تأیید وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برای مدت دو سال.

۴- مسئول امور حقوقی اداره کل استان.

۵- رییس صنف مربوط.

۶- مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان.

۷- یک نفر عضو هیأت علمی در رشته مرتبط با موضوع این دستورالعمل، متقاضی می‌تواند ظرف (۱۵) روز از تاریخ ابلاغ تصمیم کارگروه، نسبت به آن اعتراض کند. صلاحیت رسیدگی به این اعتراض با کارگروه موضوع ماده (۱۸) این دستورالعمل است.

ماده ۲۲- هرگونه تغییر در نام و نشان، محل فعالیت، نوع و حدود فعالیت اماکن و شرکت‌های موضوع بندهای (۶)، (۷) و (۸) ماده (۱) این دستورالعمل منوط به اطلاع‌رسانی قبلی و اخذ تأییدیه از وزارت است. در صورت عدم اطلاع و کسب مجوزهای جدید، مجوزهای صادرشده ابطال خواهند شد.

ماده ۲۳- در صورت انجام هرگونه فعالیت مغایر با مجوز دریافتی موضوع این دستورالعمل، کارگروه موضوع ماده (۱۸) این دستورالعمل می‌تواند متناسب با تخلف صورت‌گرفته حسب مورد یکی از اقدامات اخطار کتبی، تعلیق پروانه به مدت سه ماه و ابطال پروانه اشتغال به تجارت را به عمل آورد.

ماده ۲۴- چنانچه واحدهای فروش موضوع این دستورالعمل بیش از سه ماه و نمایشگاه‌های دائم یا موقت و مراکز حراجی بیش از شش ماه از تاریخ دریافت مجوز تأسیس، فعالیت خود را آغاز نکنند، پروانه ایشان لغو خواهد شد.

ماده ۲۵- چنانچه دارنده پروانه اشتغال به تجارت یا مدیرعامل شخص حقوقی در هر زمان شرایط مذکور در ماده (۹) این دستورالعمل را از دست بدهد، پروانه صادرشده از درجه اعتبار ساقط می‌شود. در این صورت و همچنین در زمانی که دارنده پروانه مذکور فوت کند یا محجور شود، ذی‌نفعان موظفند ظرف سه ماه فرد واجد شرایط دیگری را تعیین و معرفی کنند؛ در غیراین صورت پروانه از درجه اعتبار ساقط خواهد شد.

تبصره ۱- چنانچه دارنده اشتغال به تجارت فوت کند یا محجور شود، تا زمان تعیین تکلیف، ادامه فعالیت آن با معرفی فرد واجد شرایط و مورد تأیید وزارت، از طرف اکثریت وراث یا قیم قانونی متوفی و تأیید وزارت مجاز خواهد بود.

تبصره ۲- پس از صدور گواهی حصر وراثت چنانچه یکی از وراث واجد شرایط این دستورالعمل باشد، با موافقت سایر وراث یا قیم آنها پروانه اشتغال به تجارت به نام وی صادر خواهد شد. در غیراین صورت لازم است فرد واجد شرایط دیگری با توافق کلیه وراث به وزارت معرفی شود.

تبصره ۳- در صورتی که اشخاص حقوقی، اهلیت حرفه‌ای و تخصصی موضوع این دستورالعمل را از دست بدهند، هریک از اعضای هیأت مدیره موظف است ظرف حداکثر یک ماه موضوع را به وزارت اعلام کند. وزارت حسب مورد تصمیم مقتضی را اتخاذ خواهد کرد.

ماده ۲۶- اعتبار پروانه اشتغال به تجارت صادرشده برای واحد فروش و نمایشگاه موضوع بندهای (۶) و (۷) ماده (۱) این دستورالعمل پنج سال است و دارنده موظف است دو ماه قبل از انقضای مدت اعتبار، نسبت به تمدید آن از طریق وزارت اقدام کند.

ماده ۲۷- احراز ارتکاب تخلفات زیر توسط اشخاص دارنده پروانه اشتغال به تجارت، علاوه بر ابطال دائم پروانه یادشده، در صورت تطبیق با عناوین مجرمانه موجب تعقیب کیفری ایشان خواهد بود:

۱- خرید و فروش و تجارت اموال فرهنگی - تاریخی و هنری غیرمجاز.

۲- ساخت، خرید و فروش اموال تقلبی یا جعلی اعم از تلفیقی یا غیرتلفیقی.

۳- قاچاق اموال فرهنگی - تاریخی و هنری.

۴- خرید و فروش اموال فرهنگی - تاریخی و هنری که به صورت غیرقانونی به کشور وارد شده‌اند.

۵- خرید و فروش اموال فرهنگی - تاریخی و هنری سرقت‌شده.

۶- عدم اعلام معاملات مربوط به آثار ثبت‌شده در فهرست آثار ملی ایران به وزارت.

۷- نگهداری و اختفای اموال فرهنگی - تاریخی و هنری غیرمجاز.

ماده ۲۸- هرگونه خرید و فروش اموال فرهنگی - تاریخی و هنری خارج از اماکن و مجوزهای موضوع ماده (۱) این دستورالعمل ممنوع است.

ماده ۲۹- تمامی اماکن موضوع بندهای (۶) و (۷) ماده (۱) این دستورالعمل که پیش از این مجوز گرفته‌اند، موظفند ظرف یک سال از تاریخ لازم‌الاجراشدن این دستورالعمل فعالیت خود را با ضوابط و شرایط مندرج در آن منطبق کنند. در غیراین صورت به تشخیص کارگروه موضوع ماده (۱۸) این دستورالعمل در خصوص ادامه فعالیت آنها تصمیم‌گیری خواهد شد.

معاون اول رئیس‌جمهور - اسحاق جهانگیری

۳- یک نفر کارشناس مجرب در حوزه اموال منقول فرهنگی - تاریخی و هنری به پیشنهاد مدیرکل استان و تأیید معاون میراث فرهنگی وزارت.

۴- مسئول امور حقوقی اداره کل استان.

۵- رییس صنف مربوط.

۶- مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان.

۷- یک نفر عضو هیأت علمی در رشته مرتبط با حوزه میراث فرهنگی به انتخاب رییس دانشگاه دولتی مرکز استان.

تبصره ۱- کارگروه استانی موظف است پس از بررسی اسناد و مدارک مربوط به متقاضیان نسبت به آن تصمیم‌گیری و در صورت موافقت با درخواست، پرونده مربوط را برای صدور مجوز به وزارت ارسال کند.

تبصره ۲- در صورت رد تقاضا توسط کارگروه استانی، متقاضی می‌تواند ظرف (۱۵) روز از تاریخ ابلاغ تصمیم کارگروه، نسبت به آن اعتراض کند. صلاحیت رسیدگی به این اعتراض با کارگروه موضوع ماده (۱۸) این دستورالعمل است.

ماده ۲۲- هرگونه تغییر در نام و نشان، محل فعالیت، نوع و حدود فعالیت اماکن و شرکت‌های موضوع بندهای (۶)، (۷) و (۸) ماده (۱) این دستورالعمل منوط به اطلاع‌رسانی قبلی و اخذ تأییدیه از وزارت است. در صورت عدم اطلاع و کسب مجوزهای جدید، مجوزهای صادرشده ابطال خواهند شد.

ماده ۲۳- در صورت انجام هرگونه فعالیت مغایر با مجوز دریافتی موضوع این دستورالعمل، کارگروه موضوع ماده (۱۸) این دستورالعمل می‌تواند متناسب با تخلف صورت‌گرفته حسب مورد یکی از اقدامات اخطار کتبی، تعلیق پروانه به مدت سه ماه و ابطال پروانه اشتغال به تجارت را به عمل آورد.

ماده ۲۴- چنانچه واحدهای فروش موضوع این دستورالعمل بیش از سه ماه و نمایشگاه‌های دائم یا موقت و مراکز حراجی بیش از شش ماه از تاریخ دریافت مجوز تأسیس، فعالیت خود را آغاز نکنند، پروانه ایشان لغو خواهد شد.

ماده ۲۵- چنانچه دارنده پروانه اشتغال به تجارت یا مدیرعامل شخص حقوقی در هر زمان شرایط مذکور در ماده (۹) این دستورالعمل را از دست بدهد، پروانه صادرشده از درجه اعتبار ساقط می‌شود. در این صورت و همچنین در زمانی که دارنده پروانه مذکور فوت کند یا محجور شود، ذی‌نفعان موظفند ظرف سه ماه فرد واجد شرایط دیگری را تعیین و معرفی کنند؛ در غیراین صورت پروانه از درجه اعتبار ساقط خواهد شد.

تبصره ۱- چنانچه دارنده اشتغال به تجارت فوت کند یا محجور شود، تا زمان تعیین تکلیف، ادامه فعالیت آن با معرفی فرد واجد شرایط و مورد تأیید وزارت، از طرف اکثریت وراث یا قیم قانونی متوفی و تأیید وزارت مجاز خواهد بود.

تبصره ۲- پس از صدور گواهی حصر وراثت چنانچه یکی از وراث واجد شرایط این دستورالعمل باشد، با موافقت سایر وراث یا قیم آنها پروانه اشتغال به تجارت به نام وی صادر خواهد شد. در غیراین صورت لازم است فرد واجد شرایط دیگری با توافق کلیه وراث به وزارت معرفی شود.

تبصره ۳- در صورتی که اشخاص حقوقی، اهلیت حرفه‌ای و تخصصی موضوع این دستورالعمل را از دست بدهند، هریک از اعضای هیأت مدیره موظف است ظرف حداکثر یک ماه موضوع را به وزارت اعلام کند. وزارت حسب مورد تصمیم مقتضی را اتخاذ خواهد کرد.

ماده ۲۶- اعتبار پروانه اشتغال به تجارت صادرشده برای واحد فروش و نمایشگاه موضوع بندهای (۶) و (۷) ماده (۱) این دستورالعمل پنج سال است و دارنده موظف است دو ماه قبل از انقضای مدت اعتبار، نسبت به تمدید آن از طریق وزارت اقدام کند.

ماده ۲۷- احراز ارتکاب تخلفات زیر توسط اشخاص دارنده پروانه اشتغال به تجارت، علاوه بر ابطال دائم پروانه یادشده، در صورت تطبیق با عناوین مجرمانه موجب تعقیب کیفری ایشان خواهد بود:

۱- خرید و فروش و تجارت اموال فرهنگی - تاریخی و هنری غیرمجاز.

۲- ساخت، خرید و فروش اموال تقلبی یا جعلی اعم از تلفیقی یا غیرتلفیقی.

۳- قاچاق اموال فرهنگی - تاریخی و هنری.

۴- خرید و فروش اموال فرهنگی - تاریخی و هنری که به صورت غیرقانونی به کشور وارد شده‌اند.

۵- خرید و فروش اموال فرهنگی - تاریخی و هنری سرقت‌شده.

۶- عدم اعلام معاملات مربوط به آثار ثبت‌شده در فهرست آثار ملی ایران به وزارت.

۷- نگهداری و اختفای اموال فرهنگی - تاریخی و هنری غیرمجاز.

ماده ۲۸- هرگونه خرید و فروش اموال فرهنگی - تاریخی و هنری خارج از اماکن و مجوزهای موضوع ماده (۱) این دستورالعمل ممنوع است.

ماده ۲۹- تمامی اماکن موضوع بندهای (۶) و (۷) ماده (۱) این دستورالعمل که پیش از این مجوز گرفته‌اند، موظفند ظرف یک سال از تاریخ لازم‌الاجراشدن این دستورالعمل فعالیت خود را با ضوابط و شرایط مندرج در آن منطبق کنند. در غیراین صورت به تشخیص کارگروه موضوع ماده (۱۸) این دستورالعمل در خصوص ادامه فعالیت آنها تصمیم‌گیری خواهد شد.

معاون اول رئیس‌جمهور - اسحاق جهانگیری